

قرآن، حدیث، و اسلام

از دکتر رشاد خلیفه
برگردان از: لاله

جامعه جهانی تسلیم شدگان
توسان، آریزونا

Copyright c ۱۹۸۲ by Rashad Khalifa – Masjid Tucson
All rights reserved
including the right of reproduction
in whole or in part in any form
Published by International Community of Submitters
Masjid Tucson
PO Box ۴۳۴۷۶
Tucson , AZ ۸۵۷۳۳-۳۴۷۶
Tel/Fax (۵۲۰)۳۲۳-۷۶۳۶

www.masjiduntucson.org

e-mail: info@masjiduntucson.org
Quran, Hadith, and Islam
By Rashad Khalifa
Translated into Farsi by Laleh,
ISBN

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است
ناشر: جامعه جهانی تسلیم شدگان – مسجد توسان
نوشته: رشاد خلیفه
برگردان از: لاله
نوبت چاپ: دوم
تاریخ نشر: ۱۳۸۵
تلفن تماس: توسان ۳۶ ۷۶ ۳۲۳ (۵۲۰) ۰۰۱
دور نگار: توسان ۳۶ ۷۶ ۳۲۳ (۵۲۰) ۰۰۱
تارنما: www.masjiduntucson.org
شابک:

نسخه مجانی این کتاب از طریق پایگاه اینترنتی مسجد توسان قابل تهیه است.

پیشگفتار

شواهد عینی که پس از دوازده سال تحقیق کامپیوتری قرآن به دست آمد ثابت کرد که قرآن براسستی کلام اشتباه ناپذیر **خداست**. این کشف با استقبال مسلمانان جهان روبرو شد، و خلاصه ای از آن در میلیون ها نسخه به چاپ رسید. این کشف هیجان انگیز و فروتنانه باعث شد که شخصاً نیز از محبوبیت بسیار برخوردار شوم.

ادامه ی این تحقیق، واقعیت تکان دهنده ای را آشکار کرد؛ آن اینکه "حدیث" و "سنت" که مورد قبول همگان بود هیچ ارتباطی به پیامبر ندارد، و کسانی که به آنها معتقدند آشکارا از **خدا** و آخرین پیامبر او نافرمانی می کنند. این اخبار جدید با ایمان جمیع مسلمین جهان منافات دارد. در نتیجه، محبوبیت شخصی من، و حتی محبوبیت معجزه قرآن چنان سیر نزولی طی کرد که جان من در خطر افتاد و شهرتم نیز پایان گرفت. از قرار، اگر به مسلمانان بگویید که حدیث و سنت از بدعت های شیطان است به این می ماند که به مسیحیان بگویید عیسی پسر **خدا** نیست.

از آنجا که شواهد عینی ثابت می کند که حدیث و سنت از بدعت های شیطان است، اخبار گزارش شده در این کتاب مورد قبول تمام روشنفکران است.

این اخبار معنای تازه ای از نجات را برای این دسته از مردم در بردارد، و هشدار می است به تمام مسلمین جهان که در دام شیطان افتاده اند.

رشاد خلیفه

۱۹ آگوست ۱۹۸۲

اگر از رسول اطاعت نکنید نجات نمی یابید

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

﴿٣٢﴾

سوره آل عمران

"(ای محمد) بگو، "اگر **خدا** را دوست دارید، از من پیروی کنید." آنگاه **خدا** دوستتان خواهد داشت، و گناهانتان را خواهد بخشید. **خدا** آمرزنده، باگذشت است! بگو، "از **خدا** و رسول اطاعت کنید." اگر رویگردان شدند، **خدا** کافران را دوست ندارد." (۳۲-۳۱)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥١﴾

سوره نور

" نماز را برپا دارید و زکات را بدهید، و از رسول اطاعت کنید، تا به رحمت دست یابید." (۲۴:۵۶)

إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَن يَعِصِ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾

سوره جن

" من آگاهی نامه ها و پیام های **خدا** را می رسانم. کسانی که از **خدا** و رسولش نافرمانی کنند، به آتش دوزخ گرفتار می شوند، و برای همیشه در آنجا خواهند بود." (۷۲:۲۳)

از آنجا که تمام رسولان **خدا** یک پیام و همان پیام را آورده اند، و آن این است که "از هر پرستشی دست بردارید **جز پرستش خدا**"، از اینرو، اطاعت نکردن از رسول، نشانه کفر یا نشانه شرک است.

رسولان خدا هنگامی که پیام های خدا را ابلاغ می کنند،
از جانب خود حرف نمی زنند

خدا، پروردگار شما، از میان برادران خودتان برای شما پیامبری مانند من بر می انگیزد؛ به او باید گوش دهید.

موسی در تثنیه ۱۵:۱۸

برای ایشان از میان برادران ایشان پیامبری مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را در دهان او خواهم نهاد؛ و آنچه را به او امر فرمایم خواهد گفت. اگر کسی سخنان مرا که او بنام من می گوید نشنود، من خودم از او مطالبه خواهم کرد.
(سفر تثنیه ۱۸:۱۸-۱۹)

آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم، و پدر در من؟ سخن هایی که من به شما می گویم از خود نمی گویم، لیکن پدری که در من ساکن است او است که این اعمال را می کند.
انجیل یوحنا ۱۰:۱۴

ولیکن چون او، یعنی روح راستی، نزد شما آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد؛ زیرا او از خود تکلم نمی کند، بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت؛ و از امور آینده به شما خبر خواهد داد.
۱۶:۱۳ یوحنا

من یطع الرسول فقد أطاع الله

اطاعت از رسول، اطاعت از خداست. (قرآن ۴:۸۰)

" و او (محمد) از جانب خود سخن نمی گوید. " (۵۳:۳)

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا
عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ
مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ
أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ
إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾

وَأَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ
يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ
يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنْ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾

أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ



سوره مائده

"سپس این کتاب را، بحق، بر تو نازل کردیم، که تصدیق کننده کتابهای پیشین، و جایگزین آنهاست. بموجب آنچه خدا بر تو نازل کرده است (یعنی بموجب این کتاب آسمانی) میانشان حکم کن، و از خواست هایشان، اگر خلاف حقیقتی است که بر تو آمده، پیروی نکن. ... طبق آیاتی که خدا بر تو فرستاده است (این کتاب) میانشان حکم کن؛ از دلخواه آنها پیروی نکن، و مواظب باش که تو را از برخی از آنچه خدا نازل کرده است (از کتاب) منحرف نکنند. ... آیا می خواهند از احکام روزگار جاهلیت پیروی کنند؟ احکام و شریعت چه کسی بهتر از احکام و شریعت خدا، برای آنان که به یقین رسیده اند؟"

(۵۰-۴۸:۵)

محمد اجازه نداشت جز قرآن چیزی تعلیم دهد
و یا از جانب خود تعلیمات دینی وضع کند

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ ﴿٤١﴾

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾

فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَدِثِينَ ﴿٤٧﴾

سوره الحاقه

"این (قرآن) گفتار رسولی محترم است. این گفتار یک شاعر نیست؛ چه کم ایمان می آورید. این گفتار یک غیبگو نیست؛ چه کم پند می پذیرید؛ این از سوی پروردگار جهان وحی می شود. اگر او درس های مذهبی دیگری تعلیم می داد (و آنها را به ما نسبت می داد)، او را تنبیه می کردیم، سپس وحی را بر او متوقف می کردیم (او را از رسالت خلع می کردیم) و هیچ یک از شما نمی توانست او را یاری دهد." (۴۷-۴۰:۶۹)

این آیات بوضوح نشان می دهند که محمد اجازه نداشت چیزی جز قرآن تعلیم دهد و یا از جانب خود تعلیمات دینی وضع کند. وسعت معنا و قدرت کلماتی که در آیه بکار رفته است قابل ترجمه به زبان انگلیسی [یا فارسی] نیست. لیکن عبارت نیرومندی که در آیه آمده است جای هیچ شکی باقی نمی گذارد که تنها مأموریت پیامبر این بود که قرآن را تحویل دهد، تمام قرآن را، و هیچ چیزی جز قرآن را.

به محمد دستور داده شد که هرگز از قرآن منحرف نشود.
انحراف از قرآن برابر است با مجازات شدید

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَتَا إِلَيْكَ لِيَتَفَتَّرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ^ط
وَإِذَا لَاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٣﴾

وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾

إِذَا لَادَقْنٰكَ ضِعْفَ الْحَيٰوةِ وَضِعْفَ الْمَمٰتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا
نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

سوره بنی اسرائیل

" نزدیک بود که تو را (ای محمد) از آنچه بر تو وحی کرده ایم بلغزانند؛ و می خواستند که خودسرانه چیزی غیر از آن بیان کنی، تا تو را دوست خود گیرند. اگر ما تو را استوار نکرده بودیم، نزدیک بود اندکی بسوی آنان متمایل شوی. اگر چنین می کردی، تو را در همین دنیا، و نیز پس از مرگ دو چندان مجازات می کردیم؛ و در برابر ما هیچ یآوری برای خود نمی یافتی." (۷۵-۷۴:۱۷)

به محمد فرمان داده شد که کاملاً به آنچه خدا به او وحی می کند تمسک جوید، تا سرمشق همگان باشد. خصوصاً در آیات (۵۰-۵:۴۸) که در صفحه سوم این کتاب چاپ شده است بخوبی نشان می دهد که منظور از آنچه به او وحی می شود، قرآن است.

کوچکترین انحراف از قرآن مجازاتی شدید را به دنبال خواهد داشت (به آیه ۷۴ در بالا نگاه کنید).

به محمد فرمان داده شد که فقط قرآن را تحویل دهد، بی آنکه چیزی را در آن تغییر دهد، و یا از جانب خود چیزی اضافه کند:

وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أُمْتٌ بِقُرْعَانٍ
غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَدَّبِلَهُ مِنْ تِلْقَائِي نَفْسِي
إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ
عَظِيمٍ ﴿١٥﴾

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ
عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَتُّؤُلَا
شُفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ
وَلَا فِي الْأَرْضِ شُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾

سوره یونس

" و چون آیات ما برایشان خوانده می شود، کسانی که انتظار دیدار با ما را ندارند می گویند، "قرآنی غیر از این بیاور، یا آنرا تغییر ده!" (ای محمد) بگو، "من نمیتوانم خودسرانه آنرا تغییر دهم. من فقط از آنچه که بر من وحی می شود پیروی می کنم. اگر از پروردگارم نافرمانی کنم، من، از مجازات روزی سهمگین می ترسم." ... چه کسی نابکارتر از آن کس که درباره **خدا** دروغ بسازد، یا آیات او را تکذیب کند. مسلماً متجاوزان هرگز رستگار نمی شوند. و جز **خدا** کسانی را می پرستند که قدرت ندارند به ایشان سود یا زیان رسانند و می گویند، " اینان نزد **خدا** شفیع ما هستند!" ... چنین است شرک." (۱۸- ۱۵: ۱۰)

یک خدا / یک مرجع و یک مأخذ

آفریدگار ما که هر قدرتی از آن اوست چنین فرمان داده است که قرآن باید تنها مرجع تعلیمات دینی ما باشد.

بعلاوه، او از این نکته ما را آگاه کرده است که اگر هر مرجع دیگری را بعنوان مرجع تعلیمات دینی قبول کنیم، این کار معادل شرک و بت پرستی است و مانند آن است که خدایی دیگر در کنار خدا قرار داده باشیم:

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ
هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَيْنُكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ
ءَالِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا
تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

سوره انعام

(ای محمد) بگو، «بالاترین شهادت از آن کیست؟» بگو، «خدا میان من و شما گواه است که این قرآن به من وحی شده تا بوسیله آن شما و هر کس را که به آن دسترسی پیدا کند پند دهم. اگرچه، (وقتی از مرجع یا مأخذی جز قرآن پیروی می کنید با این کار) به وجود معبودانی دیگر در کنار خدا شهادت می دهید.»
بگو، «من هرگز چنین کاری نمی کنم؛ و شرک شما را تکذیب می کنم.» (۶:۱۹)

این آیه ی پُر محتوا، که اتفاقاً آیه شماره [۱۹] از سوره ششم است، به مومنان سفارش می کند که جز قرآن از هیچ مرجع دیگری حمایت، یا پیروی نکنند، که اگر بکنند، این کار معادل آن است که خدایی جز خدا اتخاذ کرده باشند.

یک خدا / یک مرجع

با شدیدترین لحن ممکن، به ما فرمان داده شده است که فقط از قرآن پیروی کنیم، تمام قرآن، و هیچ چیز جز قرآن.

مکرراً و مؤکداً، به ما فرمان داده شده است که برای راهنمایی خواستن در امور دین، فقط باید به قرآن مراجعه کرد و آن تنها مرجع ماست.

دوباره و چند باره، به ما تذکر داده شده است که اگر از چیزی جز قرآن پیروی کنیم این کار معادل شرک و بت پرستی است و به این می ماند که خدایی دیگر در کنار خدا قرار داده باشیم.

آیات ۲۲ تا ۳۸ از سوره ۱۷ بیانگر برخی از مهم ترین فرمان های قرآن است، و بلافاصله در آیه بعد، یعنی آیه ۳۹ می فرماید:

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا

ءَاخَرَ فَتَلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿٣٩﴾

سوره بنی اسرائیل

" این بخشی از حکمتی است که پروردگارت بر تو (در این قرآن) وحی کرده است. (با پیروی از مأخذ یا مرجعی جز قرآن) هیچ گونه معبودی در کنار خدا قرار مده. در غیر این صورت، به جهنم خواهی رفت، نکوهیده و شکست خورده." (۱۷:۳۹)

علیرغم تمام این دستورهای روشن و نهی مؤکد، چرا پیروان حدیث و سنت نمی توانند فقط از قرآن پیروی کنند؟ جواب این سوال را در صفحه ۹ ملاحظه فرمایید.

قرآن: کتابی شگفت آور

علیرغم تمام دستورهای روشن، چرا پیروان حدیث و سنت نمی توانند فقط از قرآن پیروی کنند؟

پاسخ این سوال در همان سوره آمده است و در صفحه ۸ به آن اشاره شد. آیات ۴۵ و ۴۶ از سوره ۱۷ به ما اطلاع می دهند که کسانی که از ایمان به خدا، و اجرای دستور او که فرمود فقط از قرآن تبعیت کنید امتناع می ورزند، تعمداً از قرآن جدا می شوند. این دو آیه ی قاطع در زیر نشان داده شده است:

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَجَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا

مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ

رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ، وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿٤٦﴾

سوره بنی اسرائیل

" وقتی قرآن می خوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند حجابی نامرئی برقرار می کنیم. و بر افکارشان پوشش می نهیم، تا آنرا نفهمند، و در گوشه‌هایشان ناشنوایی. در نتیجه، وقتی فقط از روی قرآن درباره پروردگارت پند می دهی، با بیزاری می گیرند." (۴۶-۴۵:۱۷)

بیش از این چه می توان گفت ؟ ؟

آیا به خدا ایمان دارید یا نه ؟

خدا می گوید که قرآن کتابی است جامع، کامل و بی نقص، همراه با تمام جزئیات، و اینکه حق ندارید مرجع یا مأخذی جز آن بجویید.

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا

فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُومُوا بِكُمْ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ

يَشَاءُ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَاءُ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ

مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾

" ما در این کتاب از بیان هیچ نکته ای دریغ نکرده ایم، سپس همه (برای داوری) نزد پروردگارشان احضار خواهند شد. کسانی که دلایل روشن ما را رد می کنند، کرانند و گنگانند، و کاملاً در تاریکی ها هستند. **خدا** هر که را خواهد، به بیراهه می فرستد، و هر که را خواهد، در راه مستقیم قرار می دهد." (۳۹-۳۸:۶)

أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتَّعَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ

ءَاتَيْنَاهُمْ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ

الْمُتَّعِينَ ﴿١١٤﴾

" آیا غیر از قانون **خدا** به مأخذی دیگری رجوع کنم، در حالیکه او این کتاب را با تمام جزئیات نازل کرده است؟ " (۱۱۴:۶)

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

﴿١١٥﴾

کلام پروردگارت در دُرستی و عدالت، کامل است.

(۱۱۵:۶)

نتیجه ی ایمان نداشتن به خدا

همانطور که در صفحه ۱۰ نشان داده شد، خدا می گوید که قرآن کتابی است جامع، کامل و بی نقص، که تمامی جزئیات در آن آمده است.

فرمان خدا مبنی بر آنکه برای راهنمایی خواستن در امور دین از چیزی جز قرآن نباید تبعیت کرد فرمانی است واضح، اکید، و دقیق.

اینک، هریک از شما کاملاً آزاد است که [گفتار] خدا را باور کند، یا در نهایت آزادی گفتار خدا را تکذیب کند و به فرمان او بی اعتنا باشد. در هر حال خودتان خواسته (یا ناخواسته) پیامد این تصمیم را پذیرفته اید.

شما موافق هستید، و شک ندارید، که کسی که گفتار خدا را باور نکند گناهی بزرگ و جدی مرتکب شده است. این گناه همانقدر جدی است که در آیه ۴۰ از سوره ۷ بدان اشاره شده است:

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ
وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي
الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾

سوره اعراف

"مسلمان، کسانی که به آیات ما ایمان نمی آورند و متکبرتر از آن هستند که آنها بپذیرند، دروازه های آسمان هرگز به رویشان گشوده نخواهد شد، و هرگز به بهشت راه نخواهند یافت تا شتر از سوراخ سوزن عبور کند. ما گناهکاران را اینچنین کیفر می دهیم."
(۷:۴۰)

بنابراین، برای کسی که نمی خواهد خدا را باور کند عملاً غیر ممکن است که به بهشت وارد شود.

مِلاکِ عمده وحی الهی

بعضی از مردم می گویند که حدیث و سنت مانند وحی الهی است. مسلماً، این دسته از مردم از این اصل و معیار بی خبرند که **خدا آیات الهی را از هر لحاظ حفظ می کند.** از آنجا که احادیث و سننی که به پیامبر نسبت می دهند بشدت تحریف شده اند، هرگز در زمره وحی الهی قرار نداشته و ندارند و نمی توانند معیار ما باشند. این واقعیتی است شناخته شده که بیشتر احادیث سخنانی است یاوه و ساختگی.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٤١﴾

سوره الحجر

" قطعاً، ما این تذکر را نازل کرده ایم، و، قطعاً، ما آنرا حفظ خواهیم کرد. "
(۱۵:۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿٤٢﴾

لَّا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ

حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾

سوره فصلت

" بیگمان، این کتابی است محترم. هیچ باطلی را توان آن نیست که در آن راه یابد، در گذشته یا در آینده؛ از سوی آن حکیمی وحی می شود که سزاوار بالاترین ستایش هاست. "
(۴۱:۴۱ - ۴۲)

کسانی که می گویند حدیث و سنت "وحی" است آشکارا کفر گفته اند. مگر آنها نمی دانند که **خدای توانا** قادر است آیات **خود** را حفظ کند.

حدیث و سنت = ۱۰۰٪ حدس و گمان

با وجود آنکه خدا اعلام داشته است که تمام جزئیات در قرآن آمده است، و باید تنها مرجع مسلمانان باشد، اکثر مسلمانان فریب خورده اند و از حدس و گمانی که به عنوان "حدیث و سنت" شهرت یافته اند پیروی می کنند.

شواهد فیزیکی به اثبات می رسانند که قرآن کلام معتبر و تغییرناپذیر خداست (به کتاب "نمایش بصری معجزه قرآن" نگاه کنید)، درحالیکه همه می دانند که "حدیث و سنت" حدس و گمانی بیش نیست.

أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتَّبِعِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ
ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُتَّعِبِينَ ﴿١١٤﴾

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
﴿١١٥﴾

وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا
الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾

" آیا غیر از خدا به ماخذ دیگری برای احکام رجوع کنیم، در حالیکه او این کتاب را با تمام جزئیات نازل کرده است؟ کلام پروردگارت در دُرستی و عدالت، کامل است. هیچ چیز کلمات او را لغو نمی کند؛ او شنوا، و بر همه چیز داناست. اگر به حرف اکثر مردم روی زمین عمل کنی، تو را از راه خدا منحرف خواهند کرد. این برای آن است که آنها از گمان خود پیروی می کنند؛ و فکر نمی کنند." (۱۱۴-۱۱۶:۶)

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَعَابَأْتُمْ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ
إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ

﴿٢٣﴾

"اصرار دارند از گمان پیروی کنند، درحالیکه هدایت از جانب پروردگارشان در این آمده است." (۵۳:۲۳)

اطاعت از رسول شرط دارد

فقط در صورتی باید بی چون و چرا از رسول اطاعت کرد که او درباره آیات قرآن به چیزی فرمان دهد.

اطاعت از رسول یعنی پیروی از قرآن، تمام قرآن، و فقط قرآن.

این اطاعت اکیداً مشروط بر آن است که مرجع اطلاعات ما خدا باشد که از طریق رسولش به ما ارسال داشته است، مرجع ما نباید رسولی باشد که صرفاً انسانی بیش نیست، و جایز الخطاست.

چنانکه در آیه ی زیر نشان داده شده است، اطاعت از رسول بعنوان یک انسان فقط در صورتی است که گفتار او درست باشد:

يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعُنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا
وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ
بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ
اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾

تو ای پیامبر، هرگاه زنان با ایمان (که کافران را رها کرده اند) از تو پناهندگی بخواهند تا با تو عهد کنند که به هیچ وجه به خدا شرک نوزند، و دزدی نکنند، و زنا مرتکب نشوند، و فرزندان خود را نکشند، و هیچ دروغی نیافند، و از دستورات درست تو نافرمانی نکنند، بیعت آنان را بپذیر، و برای آنان از خدا طلب آمرزش کن. خداست آمرزنده، باگذشت. (۶۰:۱۲)

بنابراین، بدیهی است که در مواردی که محمد بعنوان یک بشر سخن می گوید فقط در صورتی باید از او اطاعت کرد که گفتار او درست باشد، ولی هرگاه بعنوان یک رسول سخن بگوید اطاعت از او بلا شرط است.

اطاعت از رسول شرط دارد

قرآن تأکید می‌کند که اطاعت مطلق از رسول، فقط در صورتی است که خدا مرجع آن باشد، درحالی‌که نظر شخصی رسول ممکن است به ضرر خودش و یا به ضرر کسانی که از نظرات شخصی او پیروی کنند تمام شود:

مَّا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ
مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا



مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى
فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا



هرچه از خوبی‌ها برای تو (محمد) اتفاق می‌افتد از خداست، و هرچه از بدی‌ها برای تو اتفاق افتد از خودت است. ما تو را بعنوان رسول نزد مردم فرستاده ایم، و خدا بعنوان شاهد کافی است. هرکس از رسول اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است. و اما کسانی که روی بگردانند، ما تو را بعنوان محافظ ایشان نفرستادیم. (۴:۷۹ - ۸۰)

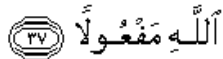
بنابراین، این احتمال وجود دارد که نظر شخصی محمد نادرست باشد، و باعث شود که چیز بدی رخ دهد. از طرف دیگر، محمد بعنوان یک رسول، کلام خدا را که قرآن است بیان می‌کند، و باید بی‌چون و چرا از او اطاعت کرد. زیرا هرکس که از رسول اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است، و ما باید از احکام و دستورات خدا اطاعت کنیم، نه از احکام و دستورات بشر.

اطاعت از رسول شرط دارد

قرآن نمونه های بسیاری آورده است که ثابت می کند که باید از سخنان محمد که وی بعنوان رسول خدا بیان کرد اطاعت کنیم، و لازم نیست از آنچه او بعنوان یک بشر بر زبان آورد اطاعت کنیم. تنها کلامی که او بعنوان رسول اظهار داشت فقط قرآن بود، و نه چیز دیگر.

علاوه بر این، قرآن به ما می آموزد که محمد بعنوان یک بشر اشتباهات عمده ای مرتکب شد. از اینرو، در آیه ای که در زیر نشان داده شده است می بینیم که خدا می خواست قانونی مقرر کند که به موجب آن یک مرد بتواند با زن مطلقه پسر خوانده اش ازدواج کند. محمد باید سرمشق ما می بود. اگرچه، این حکم خلاف سنت اعراب بود، و پیامبر ” بجای آنکه از خدا بترسد، از مردم ترسید.“

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ
اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ
تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى
الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ
اللَّهِ مَفْعُولًا



سوره احزاب

تو به آن کس که خدا به او نعمت داد، و از سوی تو نعمت یافته بود گفتی، ” زنت را نگاه دار و از خدا پروا داشته باش،“ و آنچه را خدا می خواست اعلام کند در خود نهان داشتی. پس، تو از مردم ترسیدی، در حالیکه بایست فقط از خدا بترسی. هنگامی که همه چیز میان زید و زنت بکلی تمام شد، ما تو را به ازدواج او درآوردیم، تا این را سرآغازی قرار دهیم که یک مرد می تواند با زن مطلقه ی پسر خوانده اش ازدواج کند. احکام خدا باید اجرا شود.

(۳۳:۳۷)

اطاعت از رسول شرط دارد

سوره ای کامل این واقعیت را بوضوح نشان می دهد که فقط از گفتار قرآنی محمد است که باید اطاعت کنیم، نه از گفتار شخصی او، یا از اعمال شخصی او. همین ثابت می کند که شرعاً نمی توانیم برای راهنمایی خواستن در امور دین، "حدیث" و "سنت" را مرجع خود قرار دهیم. نام این سوره "عبس" = احم کرد" است، و حکایت از آن دارد که محمد به یک مرد کور که فقیر بود اعتنا نکرد، و تمام توجه اش را به مردی که ثروتمند بود معطوف داشت:

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۱

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ۲

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى ۳

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الْذِّكْرَى ۴

أَمَّا مَنِ اسْتَعْتَبْنَا ۵

فَأَدَّتْ لَهُ تَصَدَّى ۶

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى ۷

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ۸

وَهُوَ يَخْسَى ۹

فَأَدَّتْ عَنْهُ تَالَهَى ۱۰

كَأَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۱۱

فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ ۱۲

او (محمد) چهره درهم کشید و روی برتافت، آنگاه که مرد نابینا نزدش آمد. تو چه می دانی؛ شاید او خود را خالص کند؟ یا شاید توجه کند و از پیام بهره مند شود. و اما آن مرد ثروتمند، تو (محمد) توجه خود را به او معطوف داشتی. با آنکه نمی توانستی ضامن نجات او باشی. آنکس که با شور و اشتیاق نزد تو آمد، و حقیقتاً حرمتگزار است، تو به او اعتنا نکردی. براساسیکه، این یک تذکر است، برای هرکس که بخواهد پند گیرد. (۱۲ - ۸۰:۱)

بت ساختن از محمد

اگر کسی علیرغم تأکید بسیار مبنی بر آنکه قرآن کتابی است جامع، کامل و بی نقص، که باید تنها مرجع هدایت در امور دین باشد، باز هم نخواهد خدا را باور کند، و بخواهد از حدس و گمانی که تحت عنوان حدیث و سنت نام گرفته اند پیروی کند به این معنی است که او محمد پیامبر را خلاف میل و خواسته اش بُت کرده است.

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ

كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ

يَرِجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ ۚ أَحَدًا



(ای محمد) بگو، ”اگر اقیانوس ها برای کلمات پروردگارم جوهر می بود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم به اتمام رسد، اقیانوس ها تمام می شد، حتی اگر دو چندان جوهر به آن می افزودیم.“
(ای محمد) بگو، ”من بشری فراتر از شما نیستم. به من وحی شده که خدای شما خدایی است واحد. از اینرو، کسانی که به دیدار پروردگار خود امید بسته اند، باید پرهیزگاران عمل کنند، و هرگز کسی را با پروردگار خود شریک نکنند.“
(۱۱۰ - ۱۰۹:۱۸)

این آیات بوضوح نشان می دهند که خدا از کمبود لغت در مضیقه نیست؛ و اینکه او تمام کلماتی را که ما بدان نیاز داریم در این قرآن به ما داده است، و نباید به دنبال آن رفت و دید که محمد، یا هرکس دیگر چه گفته است، و در ضمن بیانگر این نکته نیز هست که محمد هم بشری است مانند سایرین و نباید او را بُت کرد (به انتهای آیه نگاه کنید).

قرآن: محمد را نباید بت کرد

فقط دو آیه در قرآن است که از محمد پیامبر بعنوان "بشری که بیش از شما نیست" سخن به میان آورده است.

آیا این تصادفی است که هر دو آیه با محکوم کردن شرک یابان می یابند؟؟

آیه اول در صفحه قبل نشان داده شده است، و آیه دوم در زیر نشان داده شده است:

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا

إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا لَهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾

(ای محمد) بگو، "جز این نیست که من هم بشری چون شما هستم، که به من وحی شده که معبود شما معبودی است واحد. بنابراین، فقط به او گوش دهید، و از او آمرزش بخواهید. وای بر مشرکان." (۴۱:۶)

مومنان راستین به گفتار پروردگارشان مبنی بر آنکه قرآن کتابی است جامع، کامل و بی نقص، که تمام جزئیات در آن آمده است ایمان دارند، و فقط قرآن را تنها مرجع دین خود قرار می دهند. مشرکان تنها کسانی هستند که به دنبال چیزی جز قرآن می روند. پیروی از حدیث و سنت، بُت کردن پیامبر است که خلاف رضایت اوست.

سوء استفاده از قرآن

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾

سوره احزاب

" **خدا** و فرشتگان به پیامبر کمک می کنند و از او پشتیبانی می کنند. ای کسانی که ایمان آورده اید، او را یاری دهید و از او پشتیبانی کنید، و به او توجه داشته باشید، بدانگونه که باید به او توجه کرد." (۳۳:۵۶)

این یکی از آیاتی است که بیش از سایر آیات تحریف شده است. با تحریف این آیه بود که شیطان از جهالت و شرک مسلمین سوء استفاده کرد و باعث شد که میلیون ها مسلمان بجای آنکه از **خدا** تجلیل کنند، از محمد تجلیل کنند که این کار البته خلاف میل و خواسته پیامبر است.

مردمی که شب و روز بیاد پیامبر این آیه را بر زبان می آورند بدون شک از دو واقعیت مهم بی خبرند: (۱) کلمه "نبی = پیامبر" است که به محمد عطف می شود، و **همیشه** به شخص پیامبر در زمان حیات او اشاره دارد.

(۲) در همان سوره، ۱۳ آیه **بیش تر** از این آیه، مشاهده می کنیم که **خدا** و فرشتگان او همان احترام را برای **تمامی مومنان** قائل می شوند.

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

سوره احزاب

" **خدا** و فرشتگانش به مومنان کمک می کند، تا آنان تا را از تاریکیها بیرون آورد و به روشنایی برساند."

سوء استفاده از قرآن

آیه ۱۰۳ از سوره ۹ معنی کلمات "صلوا" و "یصلون" را آشکار می‌سازد. در این آیه می‌بینیم که به محمد پیامبر فرمان داده شده است که از مومنان پشتیبانی کند و به آنان دلگرمی دهد، درست همانطور که در آیه ۵۶ از سوره ۳۳ از مومنان خواسته شد که همین کار را در قبال پیامبر انجام دهند (به صفحه ۲۰ نگاه کنید).

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ

سَكِّنُ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾

سوره برائة

(ای محمد) از اموال آنان صدقه ای بگیر، تا آنان را تطهیر کنی و وارسته گردانی، و آنان را تشویق کن (صلی علیهم) زیرا تشویق تو به آنان اطمینان می‌بخشد. **خدا** شنوا، و بر همه چیز داناست." (۹:۱۰۳)

بنابراین، معنی درست این عبارت "پشتیبانی کردن یا دلگرمی دادن" است. و برخلاف آنچه که افراد سودجو درباره این آیه رواج داده اند این کلمه به این معنی نیست که ما شب و روز از محمد یاد کنیم و وی را مورد تجلیل قرار دهیم.

نتیجه

۱. "خدا و فرشتگانش به مومنان کمک می‌کنند، تا آنان را از تاریکیها بیرون آورد و به روشنایی برسانند." (۳۳:۴۳)
۲. "خدا و فرشتگان به پیامبر کمک می‌کنند و از او پشتیبانی می‌کنند. ای کسانی که ایمان آورده اید، او را یاری دهید و از او پشتیبانی کنید، و به او توجه داشته باشید، بدانگونه که باید به او توجه کرد." (۳۳:۵۶)
۳. از مومنان خواسته شده است که تا زمانی که پیامبر زنده است از او حمایت کنند (۳۳:۵۶)، و متقابلاً پیامبر نیز موظف است همین کار را در قبال ایشان انجام دهد. (۹:۱۰۳)

سوء استفاده از قرآن

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾

سوره احزاب

" رسول **خدا** سرمشقی است نیکو، برای کسانی از شما که طالب **خدا**، و روز بازپسین باشند، و
مُدام به یاد **خدا** هستند".
(۳۳:۲۱)

شیطان این آیه را دستاویز قرار داد تا از این طریق مردم را متقاعد کند که آنها به سنت پیامبر نیاز دارند و بدین ترتیب او را بت کنند و به شرک آلوده شوند.

جای هیچ شکی نیست که محمد پیامبر بهترین الگوی ماست. کسانی که فقط از قرآن پیروی می کنند، و از چیزی جز قرآن تبعیت نکنند برآستی پیامبر را الگوی خود قرار داده اند.

پر واضح است که افرادی که در دام شیطان گرفتار شده اند از این واقعیت بی خبرند که قرآن در وصف ابراهیم نیز همان عبارات را عیناً، کلمه به کلمه، بکار می برد.

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ
إِنَّا بَرَاءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا
بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَّةً
إِلَى قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأُبَيِّهَ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ
رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن
يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾

" مثالی خوب از ابراهیم و کسانی که با او بودند برای شما آورده شده است؛ در ایشان سرمشقی است
نیکو برای کسانی از شما که **خدا** و روز بازپسین را می جویند".
(۶۰:۴، ۶)

آیا خدا با محمد دشمنی دارد ؟ ؟ ؟

مسلمانان، ولی وقتی آنچه را که خدا درباره محمد مکرراً در قرآن بیان کرده است بازگو کنید، شما را به دشمنی با محمد متهم می کنند.

مشابه آن، هنگامی که به مسیحیان بگویید که عیسی بشری بیش نبود، و یک رسول خداست، شما را به دشمنی با عیسی متهم می کنند.

محمد نمی تواند کسی را هدایت کند (۲۸:۵۶)

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَا كُنَّ اللَّهُ يَهْدِي
مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾

سوره قصص

(ای محمد) تو نمی توانی افرادی را که دوست داری هدایت کنی. خداست که به خواست خود هر کس را که بخواهد هدایت می کند، زیرا او بهتر می داند که چه کسانی شایسته هدایت اند. (۲۸:۵۶)

تنها مأموریت پیامبر این بود که قرآن را بدون کوچکترین تغییر یا تفسیر تحویل دهد، و چیزی کم یا زیاد نکند.

لطفاً به صفحات ۲۹ تا ۳۵ نگاه کنید.

عشق و علاقه واقعی به محمد

عشق و علاقه واقعی به عیسی در این است که او را بعنوان انسانی که خدا وی را به رسالت فرستاده است بشناسیم. مسیحیان به نحوی به عیسی عشق می ورزند که او روز قیامت آنان را از خود نمی داند و طردشان می کند (انجیل متی ۷:۲۳ و قرآن ۱۱۶:۵).

عشق و علاقه واقعی به محمد در این است که او را بعنوان یک انسان بشناسیم و از تعلیمات او پیروی کنیم، یعنی، فقط قرآن را پاس داریم و از هیچ چیز جز قرآن تبعیت نکنیم. کسانی که از "حدیث و سنت" پیروی می کنند دشمنان محمد نامیده شده اند و همانطور که در آیه زیر مشاهده می شود، روز قیامت پیامبر آنان را از خود نمی داند و طردشان خواهد کرد:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا



وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ

هَادِيًّا وَنَصِيرًا

سوره فرقان

" رسول (روز قیامت) خواهد گفت،" پروردگارا، قوم من این قرآن را ترک کرده اند." اینچنین علیه هر پیامبری دشمنی از میان گناهکاران قرار دادیم. پروردگار تو بعنوان راهنما، و پشتیبان کافی است". (۲۵:۳۰ - ۳۱)

لطفاً دقت کنید که هر دو آیه ای که به حدیث اشاره دارند (۲۵:۳۱) و (۶:۱۱۲) تا چه اندازه حتی در لغات به یکدیگر شباهت دارند.

خداست که شما را آفرید؛ **خداست** که به شما روزی می دهد. **خداست** که به زندگی شما خاتمه می دهد؛ **خداست** که شما را برمی انگیزاند؛ **خداست** که شما را برای حسابرسی فرا می خواند. محمد هیچ یک از این کارها را انجام نمی دهد (نگاه کنید به ۳۰:۴۰).

محمد آینده را نمی داند

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنِّي أُنْتَبِعُ إِلَّا
مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٦﴾

سوره احقاف

"(ای محمد) بگو، من چیز جدیدی نمی آورم که با آورده های سایر رسولان اختلاف داشته باشد. و هیچ نمی دانم که برای خودم یا برای شما چه پیش خواهد آمد. و فقط از آنچه بر من وحی شده پیروی می کنم. نیستم من جز کسی که عمیقاً هشدار می دهد."

(۴۶:۹)

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ
لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسْنِيَ السُّوْءُ إِنِّي أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾

سوره اعراف

(ای محمد) بگو، "من به خودم هم نمی توانم سود، یا زیانی برسانم. فقط آنچه خدا بخواهد برایم پیش می آید. (و من آینده را نمی دانم)؛ اگر آینده را می دانستم، بر ثروتم می افزودم، و به محنتی دچار نمی شدم. نیستم من جز بیم دهنده ای، و مژده رساننده ای برای آنان که ایمان می آورند." (۷:۱۸۸)

محمد آینده را نمی داند

با اینحال، امروزه صدها حدیث وجود دارد که از اتفاقات آینده خبر می دهد که هیچ یک از آنها کوچکترین ارتباطی به قرآن ندارند.

یکی از معتبرترین احادیث در زیر نشان داده شده است:

"علیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدين من بعدی" (حدیث صحیح)

"پس از من باید از سنن من و از سنن خلفای راشدین که بعد از من می آیند پیروی کنید."

این نکته بسیار قابل توجه است که عبارت خلفای راشدین "الخلفاء الراشدين" ۲۰۰ سال پس از مرگ پیامبر در ادبیات زبان عرب آشکار شد و از اصطلاحات جدید است.

پیامبر چگونه می دانست که پس از او خلفایی خواهند آمد که جانشین او می شوند، و از کجا می دانست که آنها تحت عنوان خلفای راشدین شهرت خواهند یافت؟

اصطلاح خلفای راشدین فقط برای چهار خلیفه بکار برده می شود: ابوبکر، عمر، عثمان، علی. این اصطلاح دویست سال پس از محمد بوجود آمد.

اسطوره ی شفاعت

شفاعت یکی از مؤثرترین حيله های شیطان است که مردم را بدین وسیله فریب داده است تا آنها پیامبران خود و یا سایر قدیسان را بت کنند.

با آنکه قرآن مکرراً بیان می کند که در قیامت هیچ شفاعتی وجود ندارد، "احادیث و سنت" تعداد کثیری از مسلمانان را فریب داده است و آنها برخلاف میل و خواسته پیامبر وی را بت کرده اند و شفاعت را بدعت نهاده اند (شفاعت):

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفِيعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾

سوره بقره

" از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه معامله ای در کار است، نه ارفاقی به سبب خویشاوندی، و نه هیچ شفاعتی." (٢:٢٥٤)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُشْفَعُونَ إِلَّا لِمَن أَرَادَ تَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ حَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾

سوره انبیاء

پیامبر فقط از احکام خدا تبعیت می کند. خدا آینده و گذشته آنان را می داند. آنان نمی توانند شفاعت کنند مگر برای کسانی که خدا پیش از این آنان را نجات داده است. پیامبران نگران سرانجام خودشان هستند. (٢١:٢٨)

برای محمد مقام الوهیت قائل شدن

اسطوره ی شفاعت

با اینکه قرآن مکرراً بر این نکته تأکید دارد که محمد هیچ قدرتی ندارد تا بتواند به کسی سود یا زیان رساند (به صفحات ۲۵ و ۳۰ نگاه کنید)، شیطان موفق شد که عده کثیری از مردم را با اعتقاد به شفاعت فریب دهد و گمراه کند. شیطان کسانی را که قربانی خود کرده است متقاعد کرد که محمد بالاخره آنان را از جهنم بیرون می آورد، و به بهشت می برد!

تعداد کثیری از افراد به اصطلاح مسلمان به شفاعت وسعت بخشیده اند تا تعداد قابل توجهی از افراد قدیس، یا امامان را نیز در شمار شفاعت کنندگان قرار دهند:

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ
شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ
وَلَا فِي الْأَرْضِ شَبَّحْنَاهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾

سوره یونس

" جز خدا کسانی را بُت می کنند که قدرت ندارند به ایشان سود یا زیان برسانند، و می گویند، " اینان نزد خدا شفیع ما هستند!" بگو، " آیا خدا را به چیزی خیر می دهید که او در آسمانها و زمین سراغ ندارد." شکوه و جلال او ستایش باد؛ بسی فراتر از اینکه به شریک نیاز داشته باشد." (۱۰:۱۸)

برای محمد مقام الوهیت قائل شدن

اسطوره ی شفاعت کردن محمد

تعریف شفاعت، و نیز لازمه شفاعت این است که **خدا** شریکانی داشته باشد که نزد او به سود مردم شفاعت کنند.

بنابراین، شفاعت شرک است، و کسانی که معتقد باشند که محمد به سود ایشان یا به سود هر کس دیگر شفاعت خواهد کرد پیامبر را علیرغم میل و خواسته اش بت کرده اند. در حدیث و سنت که از بدعت های شیطانی است می بینیم که برای محمد حق شفاعت قائل شده اند.

قرآن بوضوح شفاعت را نوعی شرک نامیده است، و برای تشخیص دادن آن معیار عمده ای را در اختیار ما قرار می دهد که بدان وسیله بتوانیم ایمان خود را محک زنیم؛ و آن این است که افرادی که به شفاعت اعتقاد دارند قادر نیستند فقط از **خدا** سخن بگویند. آنان باید نام کسانی را که بت کرده اند همراه نام او ذکر کنند.

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۗ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ



وَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَحْدَهُ اشْمَاَزَتْ قُلُوْبُ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ ۗ وَاِذَا ذُكِرَ

الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهِ ۗ اِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُوْنَ ﴿٤٤﴾

بگو، "شفاعت تماماً خاص خداست." فرمانروایی آسمانها و زمین تماماً متعلق به اوست، سپس به سوی او مراجعت خواهید کرد. هنگامی که فقط نام **خدا** برده شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند با تنگی می گیرد. ولی همینکه نام دیگران در کنار نام او برده شود، شاد می شوند." (۴۵-۴۴: ۳۹)

محمد نیست که از شما بازخواست می کند

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ
وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٤٠﴾

" (ای محمد) تنها مأموریت تو تحویل (قرآن) است. این ما هستیم که به حسابشان رسیدگی خواهیم کرد." (۱۳:۴۰)

محمد نمی تواند به شما سود یا زیان برساند

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ
أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَجِيرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٤٩﴾

" (ای محمد) بگو، ” من این قدرت را ندارم که حتی به خودم زیان، یا سود برسانم." (۱۰:۴۹)

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٥١﴾

" (ای محمد) بگو، نه زیان شما به دست من است، و نه هدایت شما." (۷۲:۲۱)

بنابراین، پیامبر نه شما را به بهشت می برد، و نه می تواند شما را از جهنم بیرون آورد؛ باز هم پیامبر نیست که شما را برای حسابرسی نزد خود فرا می خواند، و او نمی تواند به شما سود یا زبانی برساند؛ **تنها مأموریت او این بود که قرآن را تحویل دهد، و لا غیر.** دوست داشتن و احترام نهادن به پیامبر در این است که فقط از قرآن پیروی کنید، و سخنانی را که از قول او بیان می کنند تکذیب کنید.

مأموریت یکایک رسولان
عبادت نکنید مگر خدا را

نه مسیح دوست دارد که او را بُت کنند، و نه محمد. تنها مأموریت آنان این بود که مردم از پرستش هرچه و هرکه جز خداست دست بردارند و عبادات را خاصّ خدا گردانند.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ ۚ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾

﴿وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ ۖ فَذٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِينَ﴾ ﴿٢٩﴾

" هر رسولی را که پیش از تو فرستادیم به او دستور دادیم که پند دهد که " خدایی جز من نیست؛ تنها مرا عبادت کنید. " با اینحال، گفتند، " خدای رحمان پسری اختیار کرده است! " تسبیح او را. همه (رسولان) خدمتگزاران گرامی. (او) هستند و نه بیشتر. آنها از جانب خود سخنی نمی گویند، و اکیداً از دستورات او پیروی می کنند. او آینده و گذشته ایشان را می داند. آنان نمی توانند شفاعت کنند، مگر برای کسانی که از قبل مقبول درگاه خدا بوده اند. رسولان نگران سرنوشت خودشانند. اگر کسی از ایشان ادعا کند که خدایی است مادون او، او را به دوزخ می اندازیم؛ چنین است جزای ظالمان. " (۲۹-۲۵:۲۱)

تنها مأموریت پیامبر: تحویل قرآن

قرآن غالباً عباراتی را بکار می برد که در آنها از دو کلمه منفی استفاده شده است تا مؤکداً نشان دهد که محمد هیچ مأموریتی نداشت جز تحویل قرآن:

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا
أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ
فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾

" تو هیچ وظیفه ای نداری جز اینکه قرآن را تحویل دهی. (قرآن: ۴۸:۴۲)"

وَإِنْ مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ
وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٤٠﴾

تنها مأموریت تو تحویل (قرآن) است. این ما هستیم که به حسابشان رسیدگی خواهیم کرد. (قرآن: ۴۰:۱۳)"

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ
﴿٤١﴾

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ
الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَتَأُولَى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾

" رسول هیچ وظیفه ای ندارد جز آنکه (قرآن را) تحویل دهد، و خدا از آنچه علناً بیان می کنید، و از آنچه پنهان می دارید باخبر است. اعلام دار: "بد و خوب یکسان نیستند، حتی اگر تعداد بدها به اندازه ای زیاد باشد که تحت تأثیر قرار گیری. بنابراین، از خدا پروا کنید، ای هوشمندان. باشد که رستگار شوید." (قرآن: ۱۰۰-۹۹:۵)"

متأسفانه، تعداد کسانی که نمی خواهند باور کنند که قرآن تنها مرجع هدایت در امور دین است بسی بیشتر از تعداد کسانی است که باور دارند که قرآن تنها مرجع هدایت در امور دین است. و نیز نگاه کنید به (۶۴:۱۲)(۳۶:۱۷)(۲۹:۱۸)(۲۴:۵۴)(۸۲، ۳۵:۱۶)*

* داخل هر پرانتز، از چپ به راست، ابتدا شماره سوره، سپس شماره آیه نوشته شده است. مترجم

محمد چیزی را توضیح نمی دهد، چیزی را تفسیر نمی کند، و از قبل نمی داند که چه چیزی از قرآن به او وحی می شود؛ او فقط قرآن را تحویل داد و از آن پیروی کرد

طبق آنچه در حدیث و سنت آمده است، برای شرح و درک قرآن به حدیث و سنت نیاز است.

اگرچه، قرآن به ما تعلیم می دهد که خداست که معلم قرآن است؛ و اینکه خدا قرآن را در قلب مومنان علیرغم زبان مادری آنها قرار می دهد؛ و اینکه محمد نیست که قرآن را شرح خواهد داد. برای اثبات این مطلب به آیات زیر استناد می شود:

الرَّحْمَنُ ﴿١﴾

عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾

خدا معلم قرآن است (۲- ۵۵:۱).

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَءَعْجَبِيٌّ وَعَرَبِيٌّ
قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ
وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾

چه به زبان عربی باشد یا به غیر عربی، بگو، ”برای کسانی که ایمان می آورند، هدایت و شفاست. و اما کسانی که ایمان نمی آورند، نسبت به آن کر و کور خواهند بود.“ (۴۱:۴۴)

لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿١٧﴾

فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿١٨﴾

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

”با شتاب زبان بدان مگشای. این ماییم که آنرا بصورت قرآن در می آوریم. و چون آنرا خواندیم، تو از آن قرآنی پیروی کن. و آنگه این ما هستیم که آن را شرح می دهیم.“ (۷۵:۱۶-۱۹)

پیروان حدیث و سنت از تعلیمات خود هم پیروی نمی کنند

در معتبرترین کتاب حدیث، مسلم و ابن حنبل چنین آمده است که پیامبر فرمان داد که هیچکس نباید از قول او چیزی جز قرآن را قبول کند. متن عربی این حدیث در زیر نشان داده شده است:

" السابع - النهی عن كتابة غیر قرآن "
عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « لَا تَكْتُبُوا عَلَيَّ شَيْئًا سِوَى الْقُرْآنِ . مَنْ كَتَبَ شَيْئًا سِوَى الْقُرْآنِ فَلْيَمْحُهُ ».

[احمد، جلد اول، صفحه ۱۷۱، و صحیح مسلم]

ابی سعید الخدری - رضی الله - از قول رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - گزارش داد که پیامبر گفته است، " از جانب من چیزی جز قرآن ننویسید. هرکس که چیزی جز قرآن نوشته است باید آنرا از بین ببرد"!!!

بنابر این، طبق آنچه خودشان تعلیم می دهند،

از پیامبر اطاعت نمی کنند

یک واقعیت باور نکردنی:
آنان از تعلیمات خودشان هم پیروی نمی کنند

طبق معتبرترین حدیث، پیامبر تا لحظه مرگ اصرار داشت که هرگز از جانب او چیزی جز قرآن ننویسند:

عَنْ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: [دَخَلَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَى مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، فَحَدَّثَهُ حَدِيثًا ، فَأَمَرَ إِنْسَانًا أَنْ يَكْتُبَ ، فَقَالَ زَيْدٌ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ نَكْتُبَ شَيْئًا مِنْ حَدِيثِهِ ، فَمَحَاهُ] .

[احمد، جلد اول، صفحه ۱۹۲]

زید بن ثابت (نزدیک ترین کس به پیامبر که آیات را می نوشت) (پس از ۳۰ سال که از مرگ پیامبر می گذشت) نزد معاویه رفت که خلیفه وقت بود، و برای او روایتی از پیامبر تعریف کرد. آن روایت مورد پسند معاویه قرار گرفت و دستور داد آنرا بنویسند. ولی زید گفت، "رسول خدا به ما فرمان داد که هرگز حدیث او را ننویسیم." (به گزارش ابن حنبل)

آنان از کسی که خودشان هم بت کرده اند اطاعت نمی کنند!!

قرآن: آیا کتابی دارند که آنچه می خواهند در آن می یابند؟

اگر درباره حدیثی که در صفحه پیش بدان اشاره شد از پیروان حدیث و سنت سوال کنید، می پذیرند که چنین حدیثی هم هست، و دلیل پیروی نکردن از آنچه را که در احادیث خودشان آمده است چنین توجیه می کنند که ایشان فقط پیرو احادیثی هستند که پیامبر دستور داده بود نوشته شود !!

قرآن از چنین مردمی تحت عنوان "جنایتکار" نام می برد، و از ایشان می پرسد: آیا کتابی دارند که در آن آنچه می خواهند می یابند؟؟؟

أَفَتَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾

" آیا با تسلیم شدگان مانند گناهکاران رفتار کنیم؟ شما را چه می شود؟ این چه منطقی است؟ آیا کتاب دیگری دارید که در آن آنچه می خواهید می یابید؟"
(۳۸-۳۵:۴۸)

حدیث و سنت مصداق این آیه قرآن هستند؛ آنجا که می گوید "کتابی که در آن آنچه می خواهید می یابید".

همگان می دانند که حدس و تضاد از ماهیت حدیث و سنت است.

سوال مورد علاقه آنها

" اگر قرآن (همانطور که خدا می گوید) کتابی است کامل و بی نقص که تمام جزئیات در آن آمده است، پس جزئیات نماز را در کجا می توان پیدا کرد؟"

این سوال معروف، نشانگر جهالت آنان از قرآن است و اینکه ناخودآگاه سعی دارند ثابت کنند که وقتی خدا اطمینان می دهد که قرآن کتابی است کامل و بی نقص که تمام جزئیات در آن آمده است، خدا در اشتباه است.

زیرا قرآن تعلیم می دهد که بنیانگذار اسلام امروز بی شک کسی جز ابراهیم نیست. از اینرو، ابراهیم چه نقشی را بعنوان یک مسلمان در زندگی روزانه ما ایفا کرده است؟

قرآن به ما می آموزد که تمام تکالیف دین اسلام (نماز، زکات، روزه، حج) نسل به نسل از ابراهیم به ما رسیده است.

بنابراین، اسلامی که امروز به شکل نهایی خود وجود دارد بر اساس دو چیز پایه گذاری شده است:

(۱) قرآن: که محمد آنرا آورد، و

(۲) تکالیف دین: که ابراهیم آورد.

تمام تکالیف دین اسلام پیش از محمد وجود داشت.

تنها مأموریت محمد این بود که قرآن را تحویل دهد (به صفحات ۳۰ تا ۳۳ نگاه کنید).

ابراهیم : بنیانگذار اسلام

ابراهیم اولین کسی بود که مفهوم اسلام را دریافت کرد، و نخستین کسی بود که واژه "مسلمان" را بکار برد (به ۲:۱۳۱ نگاه کنید).

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ

النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

" در راه **خدا** چنان بکوشید که باید در راه او کوشش کرد. او شما را انتخاب کرده است و در تکالیف دین هیچ دشواری برای شما قرار نداده — دین پدرانتان ابراهیم. اوست که در اصل شما را "مسلمان" نامید. پس، رسول شاهد شماسست، و شما شاهد بر مردم. پس، نماز را برپا دارید و زکات را بدهید، و به **خدا** متوسل شوید؛ اوست مولای شما؛ بهترین مولا و بهترین پشتیبان."

(۲۲:۷۸)

بنابراین، اگر ابراهیم بنیانگذار دین اسلام است، آیا در زندگی اسلامی ما هیچ نقشی ایفا کرده است؟

پاسخ این سوال مثبت است: آری؛ او در آوردن تکالیف دین (نماز، زکات، روزه، و حج) سهیم بود.

اسلام دین ابراهیم است

تنها مأموریت محمد تحویل دادن قرآن بود، و تمام تکالیف دین از ابراهیم به ما رسید.

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصْرًا تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا

كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾

آنها گفتند، ”باید یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید.“
بگو، ”ما از دین ابراهیم پیروی می کنیم – از یکتا پرستی – او هرگز مشرک نبود.“
(۲:۱۳۵)

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦﴾

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ

وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٨﴾

ابراهیم نه یهودی بود، و نه مسیحی؛ او موحدی بود تسلیم شده. او هرگز مشرک نبود.
کسانی بیش از همه لیاقت ابراهیم را دارند که از راه او پیروی کرده اند، و این پیامبر،
و کسانی که ایمان آورده اند. مولا و سالار مومنان **خداست.**

(۳:۶۷ - ۶۸)

محمد پیرو ابراهیم بود

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ



سپس به تو (محمد) وحی کردیم که از دین ابراهیم پیروی کن؛ از یکتاپرستی.
او هرگز مشرک نبود.

(۱۶:۱۲۳)

سخنی است کاملاً منطقی که اگر محمد پیرو ابراهیم بوده است، و ما پیرو محمد، پس ما پیرو ابراهیم هستیم. ما از ابراهیم چه آموخته ایم ؟ ؟ ؟

قرآن به آگاهی ما می رساند که تمامی تکالیف دین اسلام را از ابراهیم آموخته ایم که این شامل نماز، زکات، روزه ، و حج است.

بنابراین، اسلام بر اساس دو چیز پایه گذارده شده است:

(۱) قرآن: از طریق محمد

(۲) تکالیف دین: از طریق ابراهیم

مخالفان محمد نماز می خواندند

پیش از محمد و نیز در عصر محمد تمام اعراب پیرو دین ابراهیم بودند. به همین جهت، ابولهب، ابوجهل، و مشرکان عرب نمازهای پنجگانه را دقیقاً مانند مسلمانان امروزی به جا می آوردند، با این تفاوت که آنها فاتحه ابراهیمی را به جای فاتحه قرآن می خواندند.

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ

يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾

وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُٗٓ إِنَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ

أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا

الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾

خدا بر آن نیست که تا تو (محمد) در میانشان هستی، آنان را تنبیه کند؛

خدا بر آن نیست که آنان را مجازات کند در حالیکه آنان استغفار می طلبند.

با اینحال، مستحق مجازات **خدا** هستند زیرا دیگران را از مسجدالحرام بازمی دارند، اگرچه متولی آن نیستند؟ فقط پرهیزگاران متولیان آن هستند، اما بیشترشان نمی دانند. نماز آنان در بیت الحرام تمسخری بیش نبود و وسیله ای بود برای راندن مردم. پس، مجازات را بچشید به سبب آنکه کافر شدید.

(۸:۳۳-۳۵)

قبل از محمد نیز ماه های حرام [ماه های مقدس] رعایت می شد

اینکه ماه های حرام پیش از محمد رعایت می شد ثابت می کند که هیچ یک از اصول دین اسلام از طریق محمد شروع ، و آموخته نشد؛ تنها مأموریت وی این بود که قرآن را تحویل دهد.

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ
أَنفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقْتُلُونَكُمْ كَافَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ
مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ
كَفَرُوا يُجِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ
اللَّهُ فَيُجِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

سوره برائة

طبق کتاب های آسمانی، از روزی که **خدا** آسمانها و زمین را آفرید، تعداد ماه ها دوازده عدد بود. چهار ماه از آنها مقدس است. این دینی است راستین؛ مبدا در طی ماه های مقدس (بجنگید و بدین وسیله) بر خویش ستم کنید. اگرچه، هرگاه مشرکان با تمام قوا به شما اعلان جنگ دهند، شما نیز می توانید (حتی در ماههای مقدس) با تمام قوا به آنان اعلان جنگ دهید، و بدانید که **خدا** با پرهیزگاران است. هرگونه جابجایی در ماه های مقدس نشانه ای است از کفر مفراط؛ این کار، گمراهی کسانی را که کافر شده اند افزایش می دهد. آنها ماه های مقدس را با ماه های عادی جابجا می کنند، گرچه تعداد آن را با شمار ماههایی که **خدا** مقدس قرار داده تطبیق می دهند.

بنابراین، آنچه را **خدا** مقدس نهاده نقض می کنند.....

(۳۷- ۳۶: ۹)

مشرکان امروز در مقایسه با مشرکان قریش

امروز، میلیون ها مسلمان به نوعی دیگر از شرک مبتلا شده اند که شباهت به همان شرکی دارد که قریش پیش از محمد بدان مبتلا شده بود.

میلیون ها مسلمان در مصر، ایران، پاکستان، هندوستان، و سایر کشورها برای نماز به مسجد می روند. و بدون شک نماز را برای خدا می خوانند. سپس، بعد از نماز به زیارت مقبره امامان خود می روند و از آنان سلامت، ثروت، و یا فرزند درخواست می کنند.

مشرکان قریش نمازهای پنجگانه را دقیقاً مانند مسلمانان امروز به جا می آورند، ولی آنان نیز به حرم و بارگاه معبودانشان: لات، عزی، مونا، و دیگران می رفتند و از ایشان سلامت، ثروت، و یا فرزند طلب می کردند.

بنابراین، این شرک آشکاری که میلیون ها مسلمان امروزه به آن مبتلا شده اند عیناً مانند شرکی است که مردم قریش در زمان محمد و نیز پیش از محمد بدان مبتلا بودند؛ فقط معبودهای آنان متفاوت است.

پیش از رسالت محمد، تمام اعراب پیرو دین ابراهیم بودند جز اقلیتی از یهودیان و مسیحیان. آنان تمام تکالیف دین اسلام را به جا می آوردند. نماز آنان به نماز مسلمین امروز بسیار شباهت داشت، ولی آنان نیز کارهایی می کردند که به شرک آمیخته شده بود. توده ی مسلمانان امروز نیز پیامبر را علیرغم میل و خواسته اش بت کرده اند، و برخی از امامان و نیز قدیسان را بت کرده اند، و با پیروی از آنچه که غیر از قرآن است به شرک و بت پرستی آلوده شده اند (به صفحات ۷ و ۸ نگاه کنید).

همواره نماز را برپای دارید

این فرمان در طی چند هفته اولی که قرآن نازل شد مقرر گشت.

آیا این منطقی است که خدا فرمان به جا آوردن چیزی را صادر کند که بر مردم شناخته شده نیست ؟؟؟

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَافِيَةَ
مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ
فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ
مِنكُمْ مَّرْضَىٰ وَعَاقِرُونَ وَيَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن
فَضْلِ اللَّهِ وَعَاقِرُونَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ
مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَقَرُّوا بِمَا آتَاكُمُ اللَّهُ فَإِنَّكُمْ سَاءَ

وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا

وَأَسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٠﴾

و نماز را همچنان برپای دارید، زکات را بدهید، و به **خدا** وام پرهیزگاری دهید. هر عمل نیکی که از پیش برای خویش بفرستید، آنرا بصورت پاداشی بهتر، و بزرگتر نزد **خدا** باز می یابید. از **خدا** طلب آمرزش کنید. **خدا** آمرزنده، و باگذشت است.

(۷۳:۲۰)

کلمه "نماز" (صلاة)، کلمه ای است بسیار مشخص که فقط دارای یک معنی است: به جا آوردن اعمال خاصی که در آن رکوع و سجده نیز باشد. این معنی در سراسر قرآن، در تمام اعصار، و در رابطه با هر پیامبر، یا رسولی مصداق دارد.

تمام تکالیف دین اسلام (نماز زکات روزه حج) از ابراهیم به ما رسیده است

در ۲:۱۲۸ مشاهده می کنیم که ابراهیم و اسماعیل به درگاه خدا دعا کردند تا او تکالیف دین اسلام را به آنان تعلیم دهد.

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ

أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۳۷﴾

رَبَّنَا وَأَجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا

وَوَسِّعْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْتَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۳۸﴾

سوره بقره

هنگامیکه ابراهیم، همراه با اسماعیل پایه های کعبه را تأسیس می کردند، (دست به دعا برداشتند): ” پروردگارا، اینرا از ما بپذیر. تویی شنوا، دانا بر همه چیز. ” پروردگارا، از ما افرادی بساز که به تو تسلیم هستند، و بگذار از نسل ما امتی پدید آید که به تو تسلیم باشد. آداب و طرز عبادت در دین را به ما تعلیم ده، و توبه ما را بپذیر. تویی توبه پذیر، باگذشت.“

(۲:۱۲۷ - ۱۲۸)

ابراهیم: اولین (و آخرین) کسی که تکالیف دین را دریافت کرد

به پیامبران و رسولانی که پیش از ابراهیم بودند تکالیف دینی داده نشده بود. بشریت در آن زمان به قدری ابتدایی بود که کافی بود کسی بی آنکه شرک ورزد به خدا ایمان داشته باشد تا نجات یابد. برای مثال به سوره ۷۱ که "نوح" نام دارد نگاه کنید. ملاحظه می کنیم که قرآن از زمان ابراهیم به بعد، درباره تکالیف دین سخن می گوید، نه پیش ابراهیم.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَبُوا مَعَنَا الرِّكْبَانَ ﴿٤٣﴾

سوره بقره

(ای بنی اسرائیل) نماز را برپا دارید و زکات را بدهید، و با رکوع کنندگان رکوع کنید.
(۲:۴۳)

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ
وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ

وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿١٢٥﴾

سوره بقره

ما کعبه را کانون همایش مردم، و زیارتگاهی ایمن قرار داده ایم. شما می توانید محلی را که ابراهیم در آنجا زیارت می کرد، عبادتگاه خود قرار دهید. ما به ابراهیم و اسماعیل مأموریت دادیم: ” خانه مرا برای کسانی که به زیارت می آیند، و کسانی که در آنجا زندگی می کنند، و کسانی که رکوع و سجده می کنند خالص کنید.“

(۲:۱۲۵)

نماز قبل از محمد برپا داشته می شد

ولی یهودیان و مسیحیان نماز را "از دست دادند".

يَدْرِيْمُ أَقْذِي لِرَبِّكَ وَأَسْجُدِي وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِيْنَ ﴿٤٣﴾

” ای مریم، به پروردگار خود تسلیم باش، و سجد کن، و با رکوع کنندگان رکوع کن.“
(۳:۴۳)

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا



و هر جا که روم او مرا با برکت گردانید، و تا زمانی که زنده ام به ادای نماز و زکات سفارش کرد.
(۱۹:۳۱)

﴿ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ ۗ

فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿٥٩﴾

پس از ایشان، او نسلی را جایگزین کرد که نماز را ضایع کردند، و از تمایلات خود پیروی کردند. پس عواقب دردناک این کار را خواهند دید.
(۱۹:۵۹)

شواهدی وجود دارد که نشان می دهد "نماز" در میان یهودیان، خصوصاً، سامری ها، و مسیحیان (کلیسای ارتدکس روسیه) وجود داشته است. به این نکته توجه شود که یهودیان سامری احکام تلمود را که بشر بدعت نهاده است حرام کرده اند، و تصمیم گرفتند که فقط به کلام خدا، یعنی تورات، تمسک جویند و آنرا پاس دارند (به کتاب "اسطوره تجسم خدا" صفحه ۱۱۷ نگاه کنید).

نماز و زکات از ابراهیم به ما رسید

کسانی که نمی خواهند خدا را باور کنند با زیر سوال بردن آیات ۱۹، ۳۸، ۱۱۴ در سوره انعام خدا را به چالش می خوانند و می پرسند: " اگر قرآن کتابی است کامل که تمام جزئیات در آن آمده است، پس جزئیات نماز و زکات را کجا می توان یافت؟" حقیقت قرآنی زیر را برای چنین مردمی که آشکارا از قرآن فاصله گرفته اند (۵۷: ۱۸)، ارائه می دهیم:

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾

وَجَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ

الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿٧٣﴾

سوره انبیاء

و اسحاق و یعقوب را بعنوان هدیه به او (ابراهیم) عطا کردیم، و هر دو را از صالحان کردیم. و ایشان را امامانی کردیم که طبق احکام ما راهنمایی می کردند، و به ایشان آموختیم که کردار نیک را چگونه انجام دهند، و نماز و زکات را چگونه ادا کنند."

(۷۳-۷۲: ۲۱)

متأسفانه، این حقیقت قرآنی برای آنانکه می کوشند تا ثابت کنند که قرآن کامل نیست، قابل دسترس نیست.

نخست، صادقانه باید به این اعتقاد برسند که قرآن کتابی است کامل، که چیزی کم و کسر ندارد، و تمام جزئیات در آن نوشته شده است؛ آنان باید پروردگارش را باور کنند. هرگاه به این اعتقاد رسیدند، حجاب از اطراف قلب هایشان برداشته می شود، شنوا می شوند، و این قابلیت را پیدا می کنند که حقیقت قرآن را بفهمند.

روزه از ابراهیم به ما رسید

(سپس در قرآن تحول پیدا کرد)

أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ
لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا
عَنْكُمْ فَالْتَمَنَ بَشِيرٌ وَهَنٌ وَأَجْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا
وَأَشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ
مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى الْيَلِّ وَلَا تَبَشِّرُوا هُنَّ
وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٨٧﴾

سوره بقره

رابطه جنسی با زنان در شبهای روزه برای شما حلال شد؛ آنان محرم اسرار شما، و شما محرم اسرار ایشان. **خدا** می دانست که شما (در شب رابطه جنسی داشتید و بدین طریق) به خویشتن خیانت می کردید. او توبه شما را پذیرفت، و شما را مورد عفو قرار داد. از این پس، می توانید با ایشان همبستر شوید، و آنچه را **خدا** برای شما مجاز نموده است بجویید. (بخشی از ۱۸۷:۲)

بنابر این، آیه فوق بوضوح نشان می دهد که روزه از تکالیفی بود که طبق دین ابراهیم (اسلام) به جا آورده می شد، و قبل از محمد وجود داشت.

هنگامی که برای نخستین بار **خدا** تکلیف روزه را بر ابراهیم مقرر فرمود، ایجاد رابطه جنسی در طول ماه رمضان حرام بود، چه شب، چه روز.

حج از ابراهیم به ما رسید

لطفاً دقت کنید که طرز به جا آوردن نماز (رکوع و سجود) در همان آیه نشان داده می شود:

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ
لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ
مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾

سوره حج

و محل آن خانه را برای ابراهیم تعیین کردیم، و او را راهنمایی کردیم که کسی را و چیزی را با من شریک مگردان و خانه مرا برای زیارت کنندگان، کسانی که در آن ساکن هستند، و کسانی که رکوع و سجده می کنند از غبار شرک بزدا. و اعلام کن (ای ابراهیم) که مردم باید حج را بجا آورند. آنها پیاده یا سوار بر هر وسیله ای (از وسایل حمل و نقل) نزد تو خواهند آمد.“
(۲۶-۲۷: ۲۲)

بنابراین، قرآن بوضوح به ما می آموزد که تمام تکالیف دین اسلام (نماز، زکات، روزه، حج) از ابراهیم به ما رسیده است.

قرآن به آگاهی ما می رساند که خدا چگونه به جا آوردن نماز، چگونه پرداختن زکات، و چگونه روزه و حج را به ابراهیم آموخت. سپس ابراهیم این تکالیف را به فرزندانش تعلیم داد، و نسل به نسل ادامه پیدا کرد.

باز هم اصرار می ورزند

حتی پس از آنکه تمام این شواهد قرآنی را به کسانی که **خدا** را [یا سخن **خدا** را] باور نمی کنند نشان دهید، می بینید که آنها در روش خود پافشاری می کنند. و تعجب نکنید که پس از تمام این شواهد از شما بپرسند: "جزئیات نماز در کجای قرآن نوشته شده است؟"

تا زمانی که آنها نمی خواهند [سخن] خالق خود را باور کنند که مرتب به ما اطمینان می بخشد که قرآن کتابی است کامل، حقیقت قرآن را نخواهند دید. به این دلیل:

از نتایج ناباوری به آنچه قرآن می گوید:

محرومیت از دیدن، شنیدن، و فهمیدن قرآن. در نتیجه، غیر ممکن است که هدایت شوند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا
وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي
ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٧﴾

سوره کهف

" کیست ستمکارتر از آنکس که آیات پروردگارش به او تذکر داده شود، سپس آنرا نادیده گیرد، بی آنکه بداند که گناه می کند؟ در نتیجه، ما بر دل‌های آنان پوشش هایی قرار می دهیم، و در گوشه‌هایشان سنگینی، تا مفهوم (قرآن) را درنیابند. از اینرو، هر قدر برای هدایتشان تلاش کنی، هرگز نمی توانند هدایت یابند.

(۱۸:۵۷)

دو واقعیت تأسف بار:

(۱) اکثر مردم ایمان ندارند.

(۲) اکثر کسانی که ایمان دارند به جهنم می روند.

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

سوره یوسف

بیشتر مردم، هر چند هم که تلاش کنی، ایمان نخواهند آورد. (۱۲:۱۰۳)

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾

سوره یوسف

اکثر کسانی که به **خدا** ایمان دارند ایمانشان توأم با شرک و بت پرستی است. (۱۲:۱۰۶)

از اینرو، اگر شما با اکثریت هنگام هستید، سخت گرفتار شده اید.

حتی اگر شما در میان اکثر **مومنان** هستید، باز هم سخت گرفتار شده اید.

تعداد کسانی که **فقط خدا** را عبادت می کنند انگشت شمار است، اگرچه ایشان فوق العاده با سعادت هستند؛ آنان در میان اقلیت ها در اقلیت اند.

مشکل اینجاست: آنها خیال می کنند که از صالحان هستند

وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ
لَهُ قَرِينٌ ﴿٢٦﴾

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢٧﴾

هرکس پیام رحمان را نادیده بگیرد، شیطانی را بعنوان همزاد دائمی او تعیین می کنیم. چنین همزادانی آنان را از راه منحرف می کنند، با اینحال، خیال می کنند که هدایت یافته اند. (۴۳:۳۶-۳۷)

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٨﴾

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ
أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢٩﴾

بگو، " در هر مسجدی تماماً پر هیزگاران عمل کنید، و خدا را بخوانید، عبادات خود را منحصرأ به او اختصاص دهید، عبادتی خالص و پاک از شرک. همانگونه که او در آغاز شما را پدید آورد، سرانجام به سوی او بازمی گردید. او بعضی را هدایت کرد، در حالیکه گمراهی دامنگیر بعضی دیگر شد. آنان شیاطین را بجای خدا یاوران خود گرفته اند، با اینحال معتقدند که از هدایت شدگانند." (۷:۲۹-۳۰)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ
أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾

بدترین بازندگان کسانی هستند که گمراه شده اند، لیکن خیال می کنند که واقعاً هدایت شده اند. (۱۸:۱۰۳-۱۰۴)

بی خبر از شرکی که بدان مبتلا هستند

اکثر کسانی که ایمان دارند بی آنکه متوجه باشند به دام شرک گرفتار می شوند؛ آنان نمی دانند که مشرک شده اند:

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاءُكُمْ الَّذِينَ

كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٣﴾

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾

أَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾

سوره انعام

روز (قیامت) که همه مردم را احضار کنیم، از مشرکان خواهیم پرسید، ”کجايند شریکانی که قرار می دادید؟“ سپس، تنها پاسخ آنان چنین خواهد بود، ”به **خدایی** که پروردگار ماست، که ما هرگز مشرک نبودیم.“ ببین چگونه به خود دروغ گفتند، و چگونه بت هایی که علم کرده بودند ترکشان کردند.

(۶:۲۲ - ۲۴)

بنابراین، مردمانی وجود دارند که مشرک شده اند، ولی از شرک خود بی خبرند. آیا این احتمال وجود دارد که شما یکی از آنها باشید؟ از کجا مطمئن هستید که شما یکی از آنها نیستید؟ این تنها شانس شماست که می توانید اطمینان حاصل کنید که در شمار مشرکان نیستید.

چگونه می توانید اطمینان حاصل کنید که مشرک نیستید؟ پاسخ در صفحه ۵۵

اهمیت حدیث و سنت

قرآن به ما می آموزد که حدیث و سنت لازمه آزمایش هستند تا بدین وسیله مسلمانان راستین از مسلمانان دروغین مشخص شوند.

وقتی **خدا** می گوید که قرآن کتابی است جامع، کامل (بی کم و کاست)، که تمام جزئیات در آن آمده است (۱۱۴، ۳۸، ۱۹:۶)، مسلمانان راستین **خدا** را باور می کنند*. در نتیجه، یک مسلمان راستین هیچ مرجع یا مأخذ دیگری را برای هدایت در امور دین قبول نمی کند.

و اما یک مسلمان دروغین، به "حدیث و سنت" گرایش پیدا می کند، و بعنوان منافقی معرفی می شود که با زبان خود اظهار ایمان می کند درحالیکه قلب او انکار می کند (به ۱۶:۲۲ نگاه کنید).

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ
إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا
يَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾

وَلْيَتَصَغَىٰ إِلَيْهِ أَفِيذَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرِضُوهُ
وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾

سوره انعام

و علیه هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم، تا گفتار باطل را برای فریب به یکدیگر الهام کنند. اگر پروردگار تو می خواست، آنها چنین نمی کردند. (ولی این خواست **خداست**) تا دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند به این سخنان ساختگی گوش دهند، و آنها را ببیزیند، و بدین ترتیب چهره واقعی خود را افشا کنند.

(۱۱۳-۱۱۲:۶)

آیا قرآن برای شما کافی است؟ آیا **خدا** را باور می کنید؟
یا، احساس می کنید که قرآن کامل نیست؛ و برای هدایت به غیر قرآن نیاز دارید؟

* منظور از ایمان داشتن به **خدا**، ایمان داشتن به وجود **خدا** نیست؛ بلکه ایمان داشتن / باور داشتن به کلامی است که **خدا** در قرآن نازل کرده است. مترجم

یک حدیث معتبر

محمد اولین کسی است که در روز قیامت به پیروان خود اعتراض می کند زیرا آنان قرآن را بخاطر حدیث و سنت که دشمنان پیامبر آنرا نوشته اند رها کردند:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا



وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ

هَادِيًّا وَنَصِيرًا

سوره فرقان

و رسول خواهد گفت، ”پروردگارا، قوم من این قرآن را ترک کرده اند.“ و علیه هر پیامبری دشمنانی از گناهکاران قرار دادیم. پروردگار تو بعنوان راهنما، و پشتیبان کافی است.

(۳۱- ۳۰:۲۵)

دقت کنید که آیه ۲۵:۳۱ (در بالا) و آیه ۶:۱۱۴ (در صفحه قبل) تا چه حد حتی در کلمات عین یکدیگرند. آیا این می تواند تصادفی باشد؟

از اینرو، محمد پیامبر از کسانی که او را بطور اغراق آمیز دوست دارند به همان اندازه مایوس خواهد شد که عیسی از مسیحیانی که او را خدا، یا پسر خدا تصور می کنند مایوس می شود.

قرآن: تنها حدیث شرعی

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ
اللَّهِ وَعَآيَاتِهِ يُوْمِنُونَ ﴿١﴾

وَيَلِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٧﴾

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرَهُ
بِعَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٨﴾

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٩﴾

مِّن وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا
اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزِ أَلِيمٍ ﴿١١﴾

این آیه های **خداست**؛ که به حق بر تو می خوانیم. جز **خدا** و آیات او دیگر چه **حدیثی** را باور دارند؟ **وای بر هر دروغپرداز، گناهکار**. آن کس که آیه های **خدا** را که بر او خوانده می شود می شنود، سپس چنان متکبرانه در رویه خود اصرار می ورزد، که گویی اصلاً آنها را نشنیده است؛ او را به مجازاتی دردناک وعده ده. هرگاه چیزی از آیه های ما تعلیم گیرد، آن را بیهوده می گیرد. اینان مستحق مجازاتی ننگین شده اند. جهنم در کمین آنهاست؛ آنچه کسب کرده اند به کارشان نخواهد آمد، و کسانی را که جز **خدا** مولای خود می دانستند به یاریشان بر نمی خیزند. اینان مجازاتی هولناک را متحمل شده اند. **این مشعل هدایت است**، و کسانی که به آیه های پروردگارشان ایمان نمی آورند به لعنت و مجازاتی دردناک گرفتار شده اند.

(۱۱- ۶: ۴۵)

آیا آیه های **خدا** را باور می کنید؟ آیا باور دارید که قرآن کتابی است جامع، کامل و بی نقص، همراه با تمام جزئیات (۱۱۴، ۳۸، ۱۹: ۶)؟ یا، از کسانی هستید که به دنبال چیزی جز قرآن هستند؟

قرآن تنها حدیثی است که باید از آن پیروی کرد؛ سایر احادیث تماماً کفر، و ساختگی هستند که باعث گمراهی است

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَّتَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ
يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ
اللَّهُ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٣٣﴾

خدا بهترین حدیث را در اینجا نازل کرده است؛ کتابی است هماهنگ و با ثبات، و هر دو راه را مشخص می کند (به سوی بهشت و جهنم). پوست بدن کسانی که به پروردگار خود حرمت می نهند از آن موی خیز می شود، سپس پوست ها و دل هایشان برای پیام **خدا** نرم می شود. چنین است هدایت **خدا**؛ او هر کس را که بخواهد هدایت می کند. و اما کسانی را که **خدا** به گمراهی فرستد، هیچ کس نمی تواند هدایتشان کند. (۳۹:۲۳)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن
سَبِيلِ اللَّهِ بَغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٦﴾
وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَآلِيَ مُسْتَكْبِرًا كَانَتْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي
أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٧﴾

در میان مردم، کسانی هستند که به احادیث بی اساس بها می دهند، و بدین ترتیب مردم را بدون دانش از راه **خدا** منحرف می کنند، و اینکار را جدی تلقی نمی کنند. اینان به مجازاتی ننگین دچار شده اند. و چون آیات ما بر کسی از ایشان خوانده شود، چنان با تکبر روی می گرداند، که گویی هرگز آنرا نشنیده است، مانند کسی که گوشش ناشنواست. او را به مجازاتی دردناک و عده ده.

(۷-۶:۳۱)

مدرک فیزیکی

علاوه بر این آیات واضح که به مومنان اطمینان می دهد که قرآن کتابی است جامع، کامل و بی نقص، که تمام جزئیات در آن آمده است، و از نظر دینی باید تنها مرجع هدایت مسلمین جهان باشد، اراده خدای توانا بر این قرار گرفت که از طریق شواهد فیزیکی و انکارناپذیر از این آیات الهی حمایت کند.

چندی پیش کشف شد که قرآن دارای معجزه ای است ریاضی، که توسط آن درمی یابیم که هر کلمه، و حتی هر حرف بر اساس کُد ریاضی پیچیده ای در قرآن قرار داده شده است. مبنای این کد عدد [۱۹] است، که تعداد حروف اولین آیه قرآن است، و در آیه ۷۴:۳۰ نیز همین عدد، پاسخی است به آنان که می گویند: "قرآن ساخته دست بشر است". بی شک این معجزه ریاضی ثابت می کند که قرآن کتابی است آسمانی، که کاملاً محفوظ مانده است. برای کسب اطلاع بیشتر به کتاب "قرآن: نمایش عینی معجزه" نگاه کنید.

شواهد فیزیکی و معجزه ریاضی قرآن توأم تأیید می کنند که در امور دین، قرآن تنها مرجع راهنمایی و هدایت ماست؛ که آن نیز بر مبنای عدد [۱۹] پایه گذاری شده است. نمونه ای از این شواهد را می توانید در صفحات ۶۴ تا ۷۲ مشاهده کنید.

از آنجا که این شواهد، صد در صد فیزیکی [عینی] هستند و کسی آنها را تفسیر نکرده است، تمام روشنفکران آنرا می پذیرند. فقط کسانی نمی توانند این حقیقت آشکار را ببینند که چنان اسیر اعتقادات باطل خود شده اند که دیگر امید می به آنها نیست، زیرا آنها به قرآن ناباورند و در نتیجه به پیامد شوم این ناباوری گرفتار خواهند شد (۱۷:۴۵).

اینک خلاصه یا چکیده ای از معجزه قرآن را از کتاب "قرآن: نمایش عینی معجزه" در چهار صفحه به چاپ می رسانیم.

قرآن: نمایش عینی معجزه

از
دکتر رشاد خلیفه
مسجد توسان، آریزونا

چکیده مطلب و نتیجه گیری

معجزه قرآنی که در این بخش شرح داده ایم از موارد بسیار ساده شروع می شود تا موارد بسیار پیچیده. زیرا قرآن برای تمام مردم فرستاده شده است. برخی از بیانات قرآنی به زبان بسیار ساده بیان شده اند، و برخی دیگر با ادبیات بسیار بالا بیان شده اند. تا هر کس علیرغم سطح سواد و معلومات خود بتواند پیام را بگیرد. این مطلب درباره ریاضیات قرآن نیز صادق است. از اینرو، حقایق فیزیکی در این پدیده خارق العاده را می توان به دو بخش تقسیم کرد: **حقایق ساده**، و **حقایق پیچیده**.

حقایق ساده

- (۱) عبارتی که قرآن با آن آغاز می شود [بسم الله الرحمن الرحيم] دارای ۱۹ حرف است.
- (۲) قرآن دارای ۱۱۴ سوره است، یا ۱۹×۶ .
- (۳) اولین آیاتی که نازل شد (۵-۱:۱۹) دارای ۱۹ کلمه بود.
- (۴) اولین آیاتی که نازل شد دارای ۷۶ حرف بود، یا ۱۹×۴ .
- (۵) اولین سوره ای که نازل شد (سوره ۹۶) دارای ۱۹ آیه است.
- (۶) اگر سوره ها را از آخر به اول بشماریم، سوره ۹۶، نوزدهمین سوره قرآن است.
- (۷) اولین سوره ای که نازل شد دارای ۳۰۴ حرف است؛ یا ۱۹×۱۶ .
- (۸) آخرین سوره ای که نازل شد (سوره ۱۱۰) دارای ۱۹ کلمه است.
- (۹) اولین آیه از آخرین سوره ای که نازل شد دارای ۱۹ حرف است.
- (۱۰) دومین آیاتی که نازل شدند (۹-۱:۶۸) دارای ۳۸ کلمه بود، یا ۱۹×۲ .
- (۱۱) سومین آیاتی که نازل شدند (۱۰-۱:۷۳) دارای ۵۷ کلمه بود، یا ۱۹×۳ .
- (۱۲) چهارمین آیاتی که نازل شدند (۳۰-۱:۷۴)، عدد ۱۹ را مطرح کرد.
- (۱۳) پنجمین آیاتی که نازل شدند (سوره یک)، عبارت ۱۹ حرفی ای را که قرآن با آن آغاز می شود همراه داشت، و این بلافاصله پس از عدد ۱۹ در آیه ۳۰:۷۴ بود.

(ادامه) چکیده مطلب و نتیجه گیری

- (۱۴) اولین کلمه از آیه ای که قرآن با آن شروع می شود (بسم)، ۱۹ بار در قرآن آمده است.
- (۱۵) دومین کلمه از آیه ای که قرآن با آن شروع می شود (الله)، ۲۶۹۸ بار در قرآن آمده است که مضربی است از ۱۹×۱۴۲ .
- (۱۶) سومین کلمه از آیه ای که قرآن با آن شروع می شود (الرحمن)، ۵۷ بار در قرآن تکرار شده است، یا ۱۹×۳ .
- (۱۷) چهارمین کلمه از آیه ای که قرآن با آن شروع می شود (الرحیم)، ۱۱۴ بار در قرآن تکرار شده است، یا ۱۹×۶ .
- (۱۸) (به موارد ذکر شده از شماره ۱۴ تا ۱۷ دقت کنید)، از حاصل جمع اعدادی که در ۱۹ ضرب شده اند، عدد ۱۵۲ به دست می آید [$۱۴۲ + ۳ + ۶ + ۱$] که آن نیز مضربی است از ۱۹×۸ .
- (۱۹) بسامد هر کلمه ای که با عبارت آغازگر ارتباط دارد، یعنی ۱۹، ۲۶۹۸، ۵۷، ۱۱۴ برابر است با ارزش رقمی یکی از نام های خدا.
- (۲۰) در فهرست نام های شناخته شده برای خدا (بیش از ۴۰۰ اسم) ذکر کرده اند که فقط چهار اسم دارای ارزش رقمی است که مضرب ۱۹ است. این چهار اسم همان نام هایی هستند که در بخش ۱۹ از آنها صحبت شد.
- (۲۱) سوره ۹ فاقد بسم الله است، ولی این کمبود در سوره ۲۷ آیه ۳۰ جبران شده است. این باعث می شود که عبارت "بسم الله الرحمن الرحیم" در تمام قرآن ۱۱۴، یا ۱۹×۶ باشد.
- (۲۲) میان (سوره ۹) که فاقد بسم الله است تا (سوره ۲۷) که ۲ "بسم الله الرحمن الرحیم" دارد، ۱۹ سوره است.

حقایق پیچیده

- (۲۳) نام سوره ۵۰ "ق" است، و با حرف "ق" آغاز می شود، و دارای ۵۷ "ق" است، یا ۱۹×۳ .
- (۲۴) تنها سوره دیگری که با حرف مقطعه "ق" آغاز می شود، سوره ۴۲ است که آن نیز دارای ۵۷ "ق" می باشد، یا ۱۹×۳ .
- (۲۵) حرف "ق" به حقانیت از "قرآن" به پا می خیزد، و تعداد کل "ق" در دو سوره ای که با حرف مقطعه "ق" آغاز می شوند برابر است با تعداد کل سوره های قرآن ($۱۱۴ = ۵۷ + ۵۷$).

چکیده مطلب و نتیجه گیری

- (۲۶) اولین آیه از سوره ۵۰ (که "ق" نام دارد)، در وصف قرآن می گوید که آن کتابی است مجید = ستایش برانگیز. و ارزش رقمی کلمه "مجید" ۵۷ است که برابر است با تعداد "ق" ها در این سوره.
- (۲۷) سوره ۶۸ با حرف "نون" آغاز می شود و دارای ۱۳۳ نون است؛ یا ۱۹×۷ .
- (۲۸) سوره های ۷، ۱۹، ۳۸ دارای حرف مقطعه "ص" (صاد) می باشند، که در این سوره ۱۵۲ "ص" وجود دارد، یا ۱۹×۸ .
- (۲۹) سوره ۳۶ با حروف مقطعه "ی"، "س" آغاز می شود، و تعداد این دو حرف در این سوره برابر است با ۲۸۵، یا ۱۹×۱۵ .
- (۳۰) سوره های ۴۰ تا ۴۶ با حروف مقطعه "ح"، "م" آغاز می شوند. تعداد کل این دو حرف در این هفت سوره برابر است با ۲۱۴۷، یا ۱۹×۱۱۳ .
- (۳۱) سوره ۴۲ با سه حرف مقطعه "ع . س . ق" شروع می شود، و تعداد کل این سه حرف در این سوره برابر است با ۲۰۹، یا ۱۹×۱۱ .
- (۳۲) سوره ۱۹ دارای ۵ حرف مقطعه است که عبارتند از "ک . ه . ی . ع . ص"؛ و تعداد کل این حروف در این سوره برابر است با ۷۹۸، یا ۱۹×۴۲ .
- (۳۳) حرف مقطعه "ه" "ط . ه" "ط . س" "ط . س . م"، هر کدام در همان سوره دارای شکلی است ویژه. این سوره ها عبارتند از: سوره ۱۹، سوره ۲۰، سوره ۲۶، سوره ۲۷، سوره ۲۸. جمعاً ۱۷۶۷ بار این حروف در این ۵ سوره بکار رفته اند که ۱۷۶۷ برابر است با ۱۹×۹۳ .
- (۳۴) سوره ۲ با حروف مقطعه "ا . ل . م" آغاز می شود، و این سه حرف جمعاً ۹۸۹۹ بار در آن سوره بکار رفته اند (۱۹×۵۲۱).
- (۳۵) سوره ۳ نیز با حروف مقطعه "ا . ل . م" آغاز می شود، و این سه حرف جمعاً ۵۶۶۲ بار در این سوره بکار رفته اند (۱۹×۲۹۸).
- (۳۶) سوره های ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ نیز با حروف مقطعه "ا . ل . م" آغاز می شوند، که جمع این سه حرف در این سوره ها بترتیب، ۱۶۷۲ (۱۹×۸۸)، ۱۲۵۴ (۱۹×۶۶)، ۸۱۷ (۱۹×۴۳)، ۵۷۰ (۱۹×۳۰) است.
- (۳۷) سوره های ۱۰ و ۱۱ با حروف مقطعه "ا . ل . ر" آغاز می شوند، و تعداد این حروف در هر یک از این دو سوره دقیقاً ۲۴۸۹ است (۱۹×۱۳۱).
- (۳۸) سوره های ۱۲، ۱۴، ۱۵ نیز با حروف مقطعه "ا . ل . ر" آغاز می شوند، که جمع این سه حرف در این سوره ها بترتیب ۲۳۷۵ (۱۹×۱۲۵)، ۱۱۹۷ (۱۹×۶۳)، و ۹۱۲ (۱۹×۴۸) می باشد.

چکیده مطلب و نتیجه گیری

- (۳۹) سوره ۱۳ با حروف مقطعه "ا.ل.م.ر" آغاز شده است و این حروف جمعاً ۱۴۸۲ بار (۱۹ × ۷۸) در آن سوره بکار رفته اند.
- (۴۰) سوره ۷ با چهار حروف مقطعه "ا.ل.م.ص" آغاز شده است. این چهار حرف جمعاً ۵۳۲۰ بار (۱۹ × ۲۸۰) در این سوره بکار رفته اند.
- (۴۱) حروف مقطعه ۱۴ حرف هستند، که به ۱۴ ترکیب مختلف در آغاز ۲۹ سوره از قرآن آمده اند. وقتی این اعداد را با هم جمع بزنیم ۲۹ + ۱۴ + ۱۴ ، عدد ۵۷ یا (۱۹ × ۳) حاصل می شود.
- (۴۲) حروف مقطعه قرآن، "معجزه قرآن" نامیده شده اند. به صفحه ۲۴۰ از کتاب "قرآن: نمایش عینی معجزه" نگاه کنید.
- (۴۳) مقسوم علیه مشترک قرآن [۱۹] است، و این ارزش رقمی کلمه "واحد" = یکتا در عربی است. از اینرو، این معجزه بر اصل قرآن و اساس پیام الهی تأکید دارد: "خدا واحد است."
-

نتیجه :

- شواهد عینی که در اینجا ارائه شد به اثبات می رساند که:
- (۱) قرآن از جانب خداست.
 - (۲) قرآن از هر لحاظ کاملاً محفوظ است.

قرآن: تنها مرجع هدایت (۶:۱۹)

اگر جز قرآن از هر مرجع دیگری راهنمایی بپذیریم شرک محسوب می شود؛ اینکار به منزله آن است که خدایی دیگر در کنار خدا قرار داده باشیم.

این عبارت مهم در عربی دارای ۱۹ حرف است:

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهْدَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ
هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَيْنَكُم لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ
عَالِيَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا
تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

سوره انعام

(ای محمد) بگو، ” بالاترین شهادت از آن کیست؟ “ بگو، ” **خدا** میان من و شما گواه است که این قرآن به من داده شده، تا بوسیله آن شما و هر کس را که به آن دسترسی پیدا کند پند دهم. در واقع، شما (با پیروی کردن از منابعی جز قرآن) به معبودانی دیگر در کنار **خدا** شهادت می دهید. “ بگو، ” من مانند شما شهادت نمی دهم؛ فقط یک خدا وجود دارد، و من به شرک شما اعتراض دارم. “

(۶:۱۹)

این عبارت قاطع دارای ۱۹ حرف است.

نکته ای نیست که در این کتاب (قرآن) بیان نکرده باشیم

(۴:۳۸)

* متن عربی این آیه دارای ۱۹ حرف است.

* شماره این آیه ۳۸ است؛ یا (۱۹ × ۲).

ا	ن	ط	ر	ف	ا	م
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ب	ت	ک	ل	ا	ی	ف
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
		ع	ی	ش	ن	م
		۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا
فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾

ما فرطنا فی الکتب من شیء ثم الی ربهم یحشرون (۳۸)

خدا این کتاب را کامل و با تمام جزئیات نازل کرده است

(۴:۱۱۴)

* متن عربی این آیه دارای ۱۹ حرف است.

* شماره این آیه ۱۱۴ است؛ یا ۱۹×۶ .

ا	ن	ز	ل	ا	ل	ی
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
ک	م	ا	ل	ک	ت	ب
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
م	ف	ص	ل	ا		
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹		

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ
ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ

الْمُتَّعِبِينَ ﴿١١٤﴾

انزل إليكم الكتاب مفصلاً

کلام پروردگار تو (این قرآن) در درستی و عدالت کامل است
 (۴:۱۱۵)

این عبارت دارای ۱۹ حرف عربی است.

ت	م	ت	ک	ل	م	ة
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
ر	ب	ک	ص	د	ق	ا
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
و	ع	د	ل	ا		
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹		

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ



تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

محمد حق نداشت چیزی اضافه بر قرآن بیان کند

خدا به محمد پیامبر فرمان داد که بی اذن او چیزی درباره قرآن اظهار نکند، و اکیداً فقط به قرآن تمسک جوید، و هرگاه چیزی از قرآن به او وحی شد، از آن پیروی کند.

شماره این آیه ۱۱۴ است، در سوره طه.

$$۱۱۴ = ۱۹ \times ۶$$

سوره طه

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ
إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿۱۱۴﴾

شماره آیه (۱۱۴) است.

آیا این تصادفی است که شماره این آیه برابر است با تعداد کل سوره های قرآن؟

خدا و رسولش از ما خواسته اند که قرآن را پاس داریم، تمام قرآن را، و هیچ چیز جز قرآن را.

محمد حق نداشت قرآن را تفسیر کند

بعضی می گویند که قرآن ثقیل است و نمی توان آنرا بسادگی فهمید؛ از اینرو، برای تفسیر قرآن به "حدیث و سنت" نیاز است.

اولاً، با یک نگاه به قرآن، و کتب حدیث برای خواننده مسلم می شود که حقیقت درست عکس چیزی است که می گویند. زیرا کسانی که احادیث را ساخته اند از قبایل گوناگون، و حتی از کشورهای گوناگون بوده اند که گویش ها، اصطلاحات، و لهجه های گوناگون داشته اند. بنابراین، زبان حدیث است که ثقیل است.

آیه ای که اعلام می دارد: "خداست که قرآن را شرح می دهد"، آیه (۱۹) است.

لَا تَحْرِكْ لِي بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ۗ ﴿١٦﴾

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ۗ ﴿١٧﴾

فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ۗ ﴿١٨﴾

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ۗ ﴿١٩﴾

(ای محمد) زبانت را حرکت مده تا در وحی قرآن شتاب کنی. این ماییم که آنرا بصورت قرآن در می آوریم. و چون آنرا وحی کردیم، تو از آن پیروی کن. و آنگاه این ما هستیم که آن را شرح خواهیم داد.

(۱۹-۱۶: ۷۵)

هر نمونه ای که ما بدان نیاز داریم در قرآن هست

چهار آیه پراکنده مشترکاً بیانگر این مطلب هستند که تمام مثال ها، تمثیل ها، و تشبیهاتی که مورد نیاز ماست در قرآن آمده است. این آیات عبارتند از (۳۹:۲۷) (۳۰:۵۸) (۱۸:۵۴) (۱۷:۸۹).

از حاصل جمع شماره این چهار آیه، عدد ۲۲۸ یا ۱۹×۱۲ به دست می آید.

$$۸۹ + ۵۴ + ۵۸ + ۲۷ = ۲۲۸ = ۱۹ \times ۱۲$$

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ
النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿۸۹﴾

سوره بنی اسرائیل

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ
شَيْءٍ جَدَلًا ﴿۵۴﴾

سوره کهف

وَلَقَدْ صَرَّبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ
لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿۵۸﴾
كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۹﴾

سوره روم

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ

يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

﴿ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُهُ الْبَيِّنَاتُ فِي

جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾

سوره الزمر

شماره چهار آیه مورد نظر عبارتند از: ۲۷، ۵۸، ۵۴، ۸۹

$$۸۹ + ۵۴ + ۵۸ + ۲۷ = ۲۲۸$$

$$۲۲۸ = ۱۹ \times ۱۲$$

آیاتی که در بالا بدانها اشاره شد، یاد آور این نکته است که پیامبر نیز بشری است که مانند سایر انسانها می میرد، و اینکه ما بجای تبعیت از چند مرجع ضد و نقیض، فقط باید از **یک مرجع** قانون تبعیت کنیم. آیه ۲۸، برای ما روشن کرده است که قرآن **تنها مرجع** ما است.

حدیث: چیزی است که آنها آنچه را که می خواهند در آن می یابند

سرانجام، شواهدی عینی وجود دارد که به ما می آموزد که مومنان را می توان با توجه به این واقعیت که ایشان فقط از یک مرجع ثابت پیروی می کنند (قرآن) از سایرین تشخیص داد، در حالیکه کافران از کتابی پیروی می کنند که " در آن آنچه می خواهند می یابند". این واقعیتی است شناخته شده که هر چه بخواهیم می توانیم در احادیث پیدا کنیم.

عبارتی که بصورت یک سوال از کافران مطرح شده است، می گوید، " آیا از کتابی پیروی می کنید که در آن آنچه را که می خواهید می یابید؟"

شماره آیه این عبارت مهم، ۳۸ است.

$$۳۸ = ۱۹ \times ۲$$

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾

سوره قلم

آیا با مسلمین مانند مجرمین رفتار کنیم؟ شما را چه می شود؟ چگونه داوری می کنید؟ آیا کتاب دیگری دارید که در آن آنچه می خواهید می یابید؟ (۳۸-۳۵:۶۸)

خدا قرآن را کتابی جامع نامیده است (۶:۱۱۵)

خدا قرآن را مفصل و با تمام جزئیات نامیده است (۶:۱۱۴)

خدا قرآن را کامل و بی نقص نامیده است (۶:۳۸)

پیغمبر فقط قرآن را تحویل داد

حدیث و سنت از بدعت های کفرآمیزند
(۶:۱۱۲ و ۲۵:۳۱)

فقط قرآن را پاس دارید و فقط از آن پیروی کنید (۷:۳) (۶:۱۹) و بسیاری دیگر از آیات

خدا به ما مدرک فیزیکی هم داده است (به صفحات ۶۴ تا ۷۲ نگاه کنید)

پس چرا این آیات را نمی بینند !!!

پس چرا به خدا ایمان نمی آورند؟

از آنجا که قلب های آنان گفتار آنان را تکذیب می کند، بنابر مقتضای روز و جامعه ای که در آن زندگی می کنند به ایمان اعتراف می کنند، ولی در دل خود آنرا تکذیب می کنند:

إِنَّهُمْ إِلَى اللَّهِ وَاحِدٌ فَأَلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ

وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾

معبود شما معبودی است یگانه. اگر چه، کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دلپایشان منکر است، و تکبر می ورزند. (۱۶:۲۲)

پیآمد این تکذیب، (یعنی پیامد این اعتقادات عمیق) این است که آنها از قرآن فاصله می گیرند تا سرانجام نسبت به آن بکلی بیگانه می شوند:

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا

مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ

رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ تُفُورًا ﴿٤٦﴾

سوره بنی اسرائیل

وقتی قرآن می خوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند حجابی نامرئی برقرار می کنیم. و بر افکارشان پوشش می نهیم، تا آنرا نفهمند، و در گوشه ایشان ناشنوايي. و هنگامی که فقط از روی قرآن درباره پروردگارت موعظه می کنی، با بیزاری می گریزند.

(۱۷:۴۵ - ۴۶)

بنابراین، آنان نمی توانند فقط به قرآن اکتفا کنند؛ و به دنبال مرجع یا مأخذی جز قرآن هستند از قبیل حدیث و سنت.

پیروزی تضمین شده

قرآن بدون هیچ ابهامی به آگاهی می رساند که "پیروزی" برای مسلمانان تضمین شده است:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَأَذْتَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾

... و چنین مقرر کردیم که مومنان به پیروزی دست یابند (۳۰:۴۷)

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ نَقُومُ الْأَشْهَادُ

﴿٥١﴾

مسلماً، به رسولان خود، و کسانی که ایمان آورده اند، هم در این دنیا، و هم روز رستاخیز پیروزی عطا می کنیم. (۴۰:۵۱)

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِينِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا
دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُهِدَمَتِ الصَّوْمِعُ وَيَبِيعُ وَالصَّلَاةُ
وَمَسْجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ
لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٤﴾

مسلماً، خدا از افرادی که از او حمایت کنند حمایت می کند. خدا نیرومند، و توانمند است. (۲۲:۴۰)

﴿٤٤﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُجِبُ كُلَّ خَوَّانٍ
كَفُورٍ ﴿٢٨﴾

خدا از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند. خدا هیچ خیانتکار ناسپاس را دوست ندارد. (۲۲:۳۸)

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَنْصُرُوا وَاللَّهُ يَنْصُرُكُمْ وَيُثَبِّتُ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر پشتیبان خدا باشید، او پشتیبان شما خواهد بود، و گام های شما را استوار می کند. (۴۷:۷)

پس چرا مسلمانان مغلوب شده اند ؟

با بررسی آنچه **خدا** در صفحه پیش آنرا ضمانت کرده است، و با توجه به اینکه **خدا** هرگز اشتباه نمی کند، ممکن نیست که مسلمانان امروز را بتوان در شمار "مسلمانان" به حساب آورد.

واقعیت های تاریخی

تا زمانی که **امت** مسلمان فقط از قرآن پیروی می کرد، و از چیزی جز آن تبعیت نکرد، از لحاظ علمی، تکنولوژی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، و اقتصادی بر جهان رهبری می کرد. و هرگز در هیچ جنگی شکست نخورد. اسلام، از این سو تا چین، و از آن سو تا غرب افریقا گسترش یافته بود؛ و تا جنوب فرانسه و شرق آلمان پیش رفته بود.

با پیدایش **حدیث و سنت** در آغاز قرن سوم هجری، **امت** بسیار پیشرفته مسلمان، سیر نزولی طی کرد. از زمانی که این بدعت ها بوجود آمد و تبدیل به مأخذی شد که برای هدایت در کنار قرآن قرار گرفت، مسلمین حتی در یک جنگ هم به پیروزی نرسیدند.

چگونه است که سه میلیون اسرائیلی بر یک صد و پنجاه میلیون مسلمان چیره شده اند؟؟

چگونه ممکن است که سه میلیون اسرائیلی بتوانند یک میلیارد مسلمان را از مسجد بیت المقدس در اورشلیم بیرون برانند؟

چگونه است که پاکستان همواره از هندوستان شکست می خورد؟ چگونه است که روسیه به افغانستان دست می اندازد؟ و غیره و غیره و غیره .

پس چرا مسلمانان مغلوب شده اند

زیرا آنان این گفتار مکرر خدا را باور ندارند که می فرماید: قرآن کتابی است جامع، کامل (بی کم و کاست)، که تمام جزئیات در آن آمده است، و باید تنها مرجع هدایت در امور دین باشد.

زیرا غیر از قرآن، مرجعی دیگر بنام حدیث و سنت را قبول کرده اند.

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٣٤﴾

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا
﴿١٣٥﴾

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا^ط وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى
﴿١٣٦﴾

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ^ه وَلَعَذَابُ
الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿١٣٧﴾

" هرکس به پیام من (قرآن) اعتنا نکند، زندگی فلاکت باری خواهد داشت، و روز رستاخیز، او را نابینا برمی انگیزیم. او خواهد گفت، "پروردگارا، چرا مرا کور احضار کردی، من که (در دنیا) بینا بودم؟" (خدا خواهد گفت)، "به این دلیل که وقتی آیات من بر تو آمد، تو آنها را به فراموشی سپردی، اینک تو به فراموشی سپرده شده ای." اینچنین کسانی را که زیاده روی می کنند و آیات پروردگارشان را نمی پذیرند کیفر می دهیم. بیگمان، عذاب آخرت بسیار سنگین تر و همیشگی است."

(۱۲۷-۱۲۴:۲۰)

حدیث سبب شد که مردم از قرآن منحرف شوند

(۱) آیا اینچنین وضو می گیرید ؟

اگرچه دستورات خدا درباره وضو به روشنی در قرآن بیان شده است، اکثریت گسترده ای از مسلمانان از معبودانی جز خدا تبعیت می کنند؛ آنها طبق آنچه خدا فرمان داده است وضو نمی گیرند. نتیجه نهایی: خواری و شکست.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ
إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ
وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ
جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا
مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ

بخشی از آیه ۶ سوره مائده

ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامیکه به نماز برمی خیزید، باید: صورت هایتان را بشویید، دستهایتان را تا آرنج بشویید، سرهای خود را مسح بکشید، و پاهای خود را تا قوزک پا بشویید. (۵:۶)

دستورات خدا برای اکثر مسلمین امروز کافی نیست. آنها از دستورات انسانی از قبیل امامان، فقه ها و علما پیروی می کنند. در نتیجه، وضوی خود را، بسته به آنکه از چه فرقه ای باشند، کم و زیاد کرده اند. هر فرقه ای از فتوای پیشوای خود نتیجه می گیرد که پیامبر احتمالاً به فلان طریق وضو می گرفته است. از اینرو، فریب شیطان را خورده اند، از خالق خود نافرمانی کرده اند، و مستحق بدبختی و شکست شده اند.

حدیث سبب شد که مردم از قرآن منحرف شوند

(۲) آیا اینچنین نماز می خوانید؟

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١١٠﴾

سوره بنی اسرائیل

نمازت را نه بسیار بلند بخوان، و نه در دل؛ صدایی معتدل اختیار کن. (۱۷:۱۱۰)

با وجود این دستور صریح از جانب خدا، اکثریت گسترده ای از مسلمانان توسط حدیث گمراه شده اند؛ آنان نماز ظهر، نماز عصر، نماز مغرب، و نیمه دوم از نماز عشا را در دل می خوانند. آنان این دستورات را از کجا آورده اند؟ از خدایان یا معبودانی جز خدا؛ از مأخذ یا مراجعی جز قرآن.

از اینرو، عموم مردم در دام شیطان گرفتار شده اند، و از خالق خود نافرمانی کرده اند، خالق که کلام او، قرآن، کلامی است کامل، بی نقص و با تمام جزئیات (۱۱۴, ۳۸, ۱۹:۶).

حدیث سبب شد که مردم از قرآن منحرف شوند

(۳) آیا در نماز خود نامی غیر از نام خدا بر زبان می آورید؟

فرمان خدا این است که در نماز خود نام احدی را با نام خدا نبرید (۷۲:۱۸).

ولی توده مسلمانان امروز، از بدعت هایی پیروی می کنند که به آنها امر می کند که هنگام عبادت پروردگارتان، از محمد و ابراهیم نیز یاد کنید و از آنان ستایش کنید.

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا



(۷۲:۱۸)

" مساجد متعلق به خداست؛ بنابراین، نام احدی را با نام خدا مبرید."

دیگر از این واضح تر هم می شود؟

مسلمانان فریب شیطان را خورده اند و تشهدی بدعت نهاده اند که با بیان آن از محمد و ابراهیم یاد می کنند و به تجلیل از ایشان می پردازند.

باید توجه داشت که حتی مأخذی همچون حدیث و سنت نیز "شهادتین" را بدعتی نامیده اند که جزئی از نماز نیست!

آیا این شرک آشکار نیست ؟ ؟ ؟

حکم زنا در قرآن کاملاً واضح است، و این است که زناکار را باید صد ضربه شلاق زد.*

آیا مسلمانان از خالق خود پیروی می کنند و از او اطاعت می کنند؟ نه

فقه های دین اسلام ادعا دارند که حکم قرآن در اینباره واضح نیست !!!
آنان می گویند که اگر زناکار متأهل باشد، روشن نیست که حکم زنا چگونه است، از اینرو، به حدیث نیاز داریم !!!

سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ



الرَّانِيَةَ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

سوره نور

"سوره ای که ما فرو فرستاده ایم، و همچون قانون قرار داده ایم، و در آن آیه هایی نازل کرده ایم که کاملاً واضح اند، تا شما پند گیرید. زن زناکار و مرد زناکار، هریک از آنان را صد تازیانه بزنید. دستخوش ترحم نشوید و به قانون خدا عمل کنید، اگر واقعاً به خدا، و روز بازپسین ایمان دارید. بگذارید گروهی از مومنان بر تنبیه ایشان گواه باشند."
(۲- ۲۴:۱)

نفوذ شیطان بر سنت گرایان باعث شد که فقه های دین اسلام قانون "سنگسار" را بعنوان حکم زناکار بدعت نهند !!!

* دقت شود که از اجرای قانون خداست که نباید دستخوش ترحم شد، نه از شلاق زدن. خدا هرگز فرمان نداده است که بی رحمانه شلاق بزنید. در ترجمه قرآنی که از رشاد خلیفه است در پاورقی این آیه چنین می خوانیم: [هدف از این مجازات آن است که مردم از مکافات عمل بترسند، از اینرو زناکاران بطور علنی مجازات می شوند (۵:۳۸). شلاق باید جنبه نمادی یا فرمایشی داشته باشد، نه اینکه با شدت زده شود.] مترجم.

پیروی از خدا و پیروی از رسول

شیطان موفق شد میلیون ها مسلمان را فریب دهد و آنان باور کنند که اطاعت از خدا یعنی اطاعت از قرآن، و اطاعت از رسول یعنی اطاعت از حدیث.

آنچه باعث شد که این حيله شیطان با استقبال روبرو شود، نادانی، و عدم آگاهی توده مسلمین از قرآن بود، و نیز بی توجهی به این فرمان خدا که قرآن باید تنها مرجع فقهی/ یا هدایت در امور دین باشد.

با اندکی تفکر درمی یابیم که قرآن از دهان محمد برای ما نازل شد، و مستقیماً از سوی خدا فرستاده نشد. به همین جهت، فرمان داده شده است که ما باید از رسول پیروی کنیم زیرا او کلام خدا را بیان می کند.

تمام کتب آسمانی پیشین نیز همین حقیقت قرآنی را اذعان داشته اند: "هرکس از رسول اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است." پُر واضح است که رسول خدا، خدا نیست؛ بنابراین، این دستور به این معناست که باید از کلام خدا که از دهان رسول می آید اطاعت کرد.

پس، مومنان آگاه و خوشبخت، متوجه این نکته می شوند که حدیث و سنت از بدعت های شیطانی است و هدف آن منحرف ساختن مردم از راه خداست.

احادیثی که به محمد نسبت داده اند احادیث محمد نیستند

بلکه، این احادیث (روایات) را مردان و زنانی گفته اند که هرگز پیامبر را ندیده اند؛ در واقع، پدران پدرانشان هم هرگز پیامبر را ندیده بودند.

همه می دانند که اولین کتاب حدیث، حدیث بخاری است که بیش از ۲۰۰ سال پس از مرگ محمد متولد شد. وقتی بخاری شروع به نوشتن احادیث کرد، به دیدار کسانی رفت که شخصاً آنها را بعنوان مرجع می شناخت. پس از تحقیق درباره درستی آن مرجع، و کسب اطمینان از صالح بودن وی، از او می پرسید: "آیا حدیثی می دانی؟" و او پاسخ می داد، "آری"، سپس حدیثی را به شرح زیر روایت می کرد:

"از پدر خدا بیمارزم شنیدم، که از برادر بزرگ خدا بیمارزش شنید، که وقتی با مادربزرگ خدا بیمارزش بود، به او گفت که روزی عموی خدا بیمارزش هنگام شام به وی گفت که پدربزرگ مادری اش، امام احمد بن محمد الاموی را می شناخت که او به وی گفته بود که پدر بزرگش از عموی پیرش که با عمر بن خالد الیمانی که از همنشینان پیامبر بود دیداری داشت، و او به وی گفته است که محمد صلی الله به او گفته است که،....."

بنابر این، حدیث چیزی نیست جز روایت های کسانی که بخاری به آنها مراجعه کرد، و هر یک ادعا داشت که در طی هشت نسل چیزهایی از پیامبر شنیده است.

از طرف دیگر، اینک **شواهد انکار ناپذیری** در دست داریم که ثابت می کند که قرآن کلام اشتباه ناپذیر خداست، و محمد پیامبر آنرا بیان کرده است. بنابراین، با اطاعت از قرآن، و نه چیزی جز قرآن، عملاً از رسول اطاعت می کنیم.

اطاعت از حدیث، اطاعت از رسول نیست

بلکه، اطاعت از مردان و زنانی است که احادیث را نقل کرده اند.

اطاعت از آنچه آنرا احادیث پیامبر نامیده اند، در واقع اطاعت از عده ای مردم ساده لوح است که خیال می کنند پیغمبر ۲۰۰ سال قبل از تولد آنان چیزهایی روایت کرده است.

بنابراین، اگر راوی حدیثی مثلاً عباس ابن یاسر باشد، پس اطاعت از حدیثی که عباس ابن یاسر آنرا نقل کرده است، اطاعت از عباس ابن یاسر است، و هیچ ربطی به اطاعت از پیامبر ندارد.

اطاعت راستین از پیامبر در این است که فقط از قرآن پیروی کنیم، قرآنی که از دهان پیغمبر بیان شد، و شواهد فیزیکی انکار ناپذیری هم در تأیید آن در دسترس است.

این حقایق برای ما روشن می سازند که چرا قرآن مکرراً می فرماید که " فقط هوشمندان پند می گیرند".

قرآن بدون هیچ واسطه، یا هیچ راوی از دهان پیامبر به ما تحویل داده شد. قرآن از دهان محمد خارج شد، و کسانی که آنرا می شنیدند، آنرا مستقیماً در لحظه نزول با وسواس فراوان می نوشتند.

بنابراین، قرآن تنها حدیث محمد است. از این گذشته، حق تعالی تضمین کرده است که کلام خود را، به گونه ای که از دهان محمد بیرون آمد برای همیشه حفظ خواهد کرد (۹: ۱۵).

مصیبت بزرگ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُتَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ
أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَفْتِنَا وَأَحْيَيْتَنَا أَفْتِنَا فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا
فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ ﴿١١﴾

ذَالِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تَوَمَّنُوا
فَأَلْحَكُمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿١٢﴾

سوره غافر

"(روز قیامت) به کسانی که ایمان نیاوردند گفته خواهد شد، "خشم خدا به شما بسی سخت تر از خشمی است که شما بخود دارید. زیرا از شما دعوت شد که ایمان بیاورید ولی شما ناباوری را انتخاب کردید." آنها خواهند گفت، "پروردگارا، تو به ما دو مرگ داده ای، و دو زندگی، اینک به گناهان خود اعتراف می کنیم؛ آیا هیچ راهی برای خروج هست؟ این به دلیل آن است که هرگاه فقط خدا خوانده می شد، ایمان نیاوردید، ولی هنگامی که نام دیگران علاوه بر او آورده می شد، ایمان می آوردید. از اینرو، حکم خدا داده شده است؛ او باریتعالی، بزرگ است."

(۱۲-۱۰:۴۰)

آیا هنگامی که فقط خدا خوانده می شود، ایمان دارید؟ یا نام دیگران باید علاوه بر نام او آورده شود؟

مصیبت بزرگ

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨٣﴾

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُمْسِكِينَ

﴿٨٤﴾

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي
عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

سوره غافر

هنگامی که رسولان نشان با حجّت های روشن نزدشان رفتند، با معلوماتی که بطور موروثی به ایشان رسیده بود دلخوش بودند، و آنچه را که مسخره کردند باعث سقوطشان شد. سپس، هنگامی که عذاب ما را دیدند گفتند، ” حالاً دیگر اعتقاد ما فقط به خداست، و به اعمال شریک آمیزی که پیش از این انجام می دادیم معتقد نیستیم.“ ولی افسوس، زیرا ایمان آنها هنگامی که عذاب را مشاهده کردند بی فایده است. این قانون خداست که هرگز تغییر نمی کند؛ چنین کافرانی محکوم به فنا شده اند.

(٨٥-٨٣:٤٠)

آیا به دانشی که از پدران و بزرگان، و فقه ها به شما رسیده است (حدیث و سنت) اکتفا می کنید، و بدان خشنود هستید؟

آیا حاضرید از چنین اخباری دست بردارید، و تعلیمات خدا را جایگزین آن کنید؟
یا، فکر می کنید که برای شما دیگر خیلی دیر است؟

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ
الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾

سوره الزمر

و چون فقط نام **خدا** بُرده شود، دل‌های کسانی که به
آخرت ایمان ندارند با تنگی می‌گیرد. اما همینکه نام
دیگران در کنار نام او بُرده شود، دلشاد می‌شوند.

(۳۹:۴۵)

روشن کردن این مطلب:
چرا ما اینجا هستیم؟

وقتی بفهمیم که اصلاً چرا به این دنیا آمده ایم، تمام جریان قرآن و حدیث و سنت برای ما روشن می شود.

بودن ما در این دنیا فقط و فقط یک دلیل دارد.

همانطور که در قرآن شرح داده شده است (۵۶:۵۱) و (۶۷:۲)، خدا فقط به این دلیل ما را خلق کرده که ما از شرک دست برداریم و فقط خدا را عبادت کنیم.

شیطان می خواست با خدا شریک باشد؛ به بیان دیگر او می خواست خدایی جز خدا باشد. در نتیجه، خدا آدم را آفرید تا اندیشه عصیانگر شیطان را فاش گرداند. و خدا ما را آفرید تا به شیطان و نیز به همه فرشتگان نشان دهد که همه می توانند بی آنکه شرک ورزند، فقط خدا را عبادت کنند؛ عبادتی خالص.

بنابراین، ما موجودیت یافته ایم و به اینجا آمده ایم تا خدا را بی آنکه به او شرک ورزیم عبادت کنیم. به همین دلیل است که شرک تنها گناه غیر قابل بخشش است. زیرا لحظه ای که کسی یا چیزی را جز خدا بت کنیم، در این آزمایش مردود شده ایم.

هرگاه بتوانیم فقط خدا را عبادت کنیم، و در عبادت خود کسی از قبیل محمد، عیسی، مریم، قدیسان، امامان، هر کس، یا هر چیز دیگر را شریک یا سهیم نکنیم، آنگاه به هدفی که در پس این موجودیت نهفته است رسیده ایم.

هرگاه در پی آن باشیم که دستورات دینی را از محمد یا از هر مرجع یا مأخذی جز قرآن بجوییم، در این ادعای شیطان که خدا به شریک نیاز دارد سهیم هستیم. بنابراین، کسانی که فقط خدا را می پرستند، فقط از دستورات خدا پیروی می کنند. همانطور که در این کتاب گفته شد، تعلیمات خدا، تعلیماتی است جامع، بی کم و کاست، همراه با تمام جزئیات.

و بالاخره : مهم ترین سوال

از نظر شما، آیا خدا به تنهایی کافی است ؟؟؟

یا، معتقد هستید که خدا را بدون محمد نمی توان عبادت کرد ؟؟؟

از نظر شما، آیا "فقط خدا" کافی است ؟

یا، معتقد هستید که خدا به شرکایی مانند محمد، عیسی، مریم، و برخی دیگر از اشخاص قدیس نیازمند است ؟؟؟

اگر فقط خدای یکتا را بدون محمد، عیسی، مریم، سایر قدیسان، یا هرکس و هر چیز دیگر بشناسید احساس رضایت می کنید؟

آیا اگر فقط از خدا سخن گفته شود دلنتگ می گردید؟

آیا هنگامی که من مُدام فقط از خدا صحبت می کنم، دلنتگ می شوید؟ آیا احساس می کنید که حتماً باید از کسی دیگر نیز صحبت شود؟ آیا به عقیده شما فقط خدای یگانه یکتا کافی است؟

باز هم تکرار می کنم: هنگامی که من در سخنانم فقط از خدا نام می آورم، آیا احساس می کنید که این برای شما قابل قبول نیست، یا، از اینکه فقط از خدا سخن می گویم خوشحال می شوید ؟؟؟

معیار بزرگ قرآنی که در آیه ۴۵ از سوره ۳۹ آمده است، پاسخ این سوالات کلیدی را برای شناخت خود شما و دانستن سرنوشت شما روشن می کند.

خداوند برای کسانی که از هدایت او پیروی کنند پیروزی، سلامت، ثروت، آرامش خاطر، و خوشبختی کامل را تضمین کرده است: قرآن (۴۰:۵۱)(۳۰:۴۷)(۲۴:۵۵)(۲۲:۳۸, ۴۰)(۳:۱۶۰)(۲:۳۸). با این همه مشاهده می کنیم که فقط ۳,۰۰۰,۰۰۰ اسرائیلی بر ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ عرب غلبه می کنند. و نیز شاهد هستیم که هندوستان بر پاکستان چیره می شود، و روسیه ی شوروی به افغانستان دست می اندازد. ملل مسلمان جهان بیگمان از فقیرترین، بدبخت ترین، و عقب افتاده ترین ملل جهان هستند که بیش از همه تحت جور و ستم می باشند.

این کتاب توضیح می دهد که چرا وضع مسلمین امروز آشکارا عکس چیزی است که آیات قرآن بدان مژده داده اند، و راه حل های ثمربخشی را جهت دست یافتن به پیروزی، سلامت، ثروت، آرامش خاطر و خوشبختی کامل نشان می دهد – چه برای فرد مردم، چه برای همه ی ملل مسلمان جهان.